



محمد ابراهيم حامد مهدوی

صحیح دوم امید

محمد ابراهیم حاد همدوی



صبح دم امید

محمد ابراهیم حامد مهدوی

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی پرتوشمس

چاپ نگارش

قیمت: ۱۴۰۰ تومان

شابک ۹۶۴-۳۹۷-۳۰۲-۵ ISBN

آدرس: قم، خیابان معلم، میدان روح الله، پلاک ۶۵

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸-۷۷۳۴۱۳

صندوق پستی ۱۱۵۳-۳۷۱۳۵

WWW.Dalilema.com

info@Dalilema.com



انتشارات دلیل ما

مراکز پخش:

- ۱) قم، انتهای خیابان صفائی، روبروی کوچه شماره ۲۸ ساختمان پزشکان، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۰۱-۷۷۳۷۰۱۱
- ۲) تهران، انقلاب، فخررازی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۳۲، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
- ۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما تلفن ۲۲۳۷۱۱۳-۵

سرشناسه	: حامد مهدوی، محمد ابراهیم، ۱۳۲۹ -
عنوان و پدیدآوران	: صبح دم امید / محمد ابراهیم حامد مهدوی.
مشخصات ناشر	: قم: دلیل ما، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ ص.
شابک	: ISBN 964-397-302-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: محمد بن حسن (ع)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - غیبت.
موضوع	: مهدویت - انتظار.
رده بندی کنگره	: ۲ ص ۲۲ ح ۲۲۲ / ۴ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۱۰۷۷۲۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتِ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتِ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتِ

فهرست

- ۷..... سر آغاز سخن
- ۱۵..... گامی به پیش
- ۱۷..... حق حجت خدا بر خلق
- ۲۱..... امام علیه السلام حلقه اتصال زمین و آسمان
- ۲۷..... شکوه یتیمان در ماتم کده هجران
- ۳۹..... سرگذشت نرجس خاتون علیها السلام
- ۴۷..... ولادت و شمایل حضرت مهدی علیه السلام
- ۵۳..... آشنایی بیشتر
- ۵۹..... نقش امام عسکری علیه السلام در آماده نمودن زمینه امامت حضرت مهدی علیه السلام
- ۶۹..... آغاز یتیمی
- ۷۳..... ودیعه امامت در سنین صباوت
- ۸۱..... گونه های غیبت و نگاهی گذرا به روزگار هجران
- ۸۵..... علل و چگونگی غیبت
- ۹۵..... شیوه زندگی در ایام غیبت و مکان های احتمالی حضور

۹۹	حسرت دیدار
۱۰۵	دیر زیستی، چرا و چگونه؟!
۱۱۵	در سایه سار انتظار
۱۲۳	مهدی <small>علیه السلام</small> در نگاه معصومین <small>علیهم السلام</small>
۱۳۱	مهدی <small>علیه السلام</small> در قرآن
۱۴۵	نمونه‌ای از اعجاز
۱۵۱	شیرینی کام جان با سخنان گهربار جانان
۱۵۷	برخی از حقوق بی‌شمار قطب عالم امکان حضرت صاحب‌الزمان <small>علیه السلام</small> بر ما
۱۶۱	برخی از وظایف ایتم آل محمد <small>علیهم السلام</small> نسبت به پدر مهربان و
۱۶۹	باریافتگان
۱۷۳	توسل به ذیل عنایت مولا
۱۸۱	راهی به سوی قرب
۱۸۷	کتابنامه

سرآغاز سخن

نقش « امید » در پویایی راه زندگی

« امید » محور چرخش و گردش گیتی است . حیات در عالم خلقت ، نشاط در طبیعت ، حرکت به سوی رشد و بالندگی ، همه و همه نشانهٔ اصالت و محوریت « امید » است .

اگر چراغ امید در صحنهٔ زندگی خاموش می‌گشت همه جا و همه چیز در ظلمت محض فرو می‌رفت ؛

اگر بارقهٔ امید از دل‌ها زدوده می‌شد افسردگی و پژمردگی گسترهٔ زمین را فرا می‌گرفت ؛

اگر امید نبود ، سردی و سکون فراگیر می‌شد ؛

اگر امید نبود خنده از لب‌ها رخت برمی‌بست ؛

و اگر امید نبود ...

راستی !

اگر شمع امید در دل‌ها به خاموشی می‌گرایید پروانه‌های عشق و محبت گرداگرد چه می‌گشتند؟!

اگر امید نبود، بودن برای چه بود؟

و بودن با نبودن چه تفاوتی داشت؟

تحرك و تلاش چه معنی داشت؟

انگیزه‌خواستن‌ها و علاقه‌ها چه بود؟

نهال آرزو چگونه به بار می‌نشست؟

سر برآوردن دانه از دل خاک برای چه بود؟

ثمره درخت برای چه بود و برای که؟

رویدن گل، شکفتن غنچه، سرسبزی دشت و دامن برای چه بود؟

اگر امید نبود، تشکیل زندگی چه توجیهی داشت؟

و آن بر مجرد و تنهایی چه برتری داشت؟

علاقه به مال، ثروت، فرزند و ... چگونه معنا می‌شد؟

زیبایی‌های دنیا را چه فایده‌ای بود؟

داشتن بهترین‌ها و بیشترین‌ها چه سببی داشت؟!

...

با کمی تأمل، به این حقیقت می‌رسیم که:

همه کشش‌ها، جاذبه‌ها، حرکت‌ها، تلاش‌ها، خواستن‌ها و داشتن‌ها

بازتاب‌هایی از نور «امید» در دل‌هایند.

در پهنه زمین

جوی‌ها در تلاشند که به رودها متصل شوند.

رودها امید دارند که روزی به دریا پیوندند.
دریاها در جوش و خروشند تا خود را به اقیانوس برسانند.
اقیانوس‌ها متلاطم‌اند تا به ابرهای آسمان پیوندند.
ابرها چشم می‌کشند تا خورشید بر جوی‌ها، رودها، دریاها و اقیانوس‌ها
بتابد و هستی‌شان را بردارد و به آنان برساند تا بارور شوند و بر زمین
و زمینیان بیارند و دشت و دَمَن را سیراب کنند.

در سپهر نیلگون

خورشید به امید سر زَدَنش از مشرقِ فردا، غروب می‌کند.
زمین با امید به گردشی دیگر در فردایی دیگر، پروانه‌وار گرد
خورشید می‌گردد.
ماه به امید تابشی دیگر در شبی دیگر، در گوشه‌ای از آسمان می‌خرامد.
اگر ستارگان گمان کنند که خورشید را فردایی نیست و ماه را غروب
همیشگی است، از هم‌اکنون خاموش می‌شوند و می‌میرند.
درختان بادهای ویرانگر پاییز و سرمای کُشنده زمستان را به امید
بهار تحمل می‌کنند.
گیاهان به امید بهار زنده‌اند و رو به بالندگی دارند.
دشت‌ها، رنج ناهمواری‌ها و خارها را به امید جایگزینی سبزه‌های
بهار تحمل می‌کنند.

در گستره حیات و زندگی

شیرخواره در گاهواره به دوران کودکی چشم دوخته، و کودک،

چشم به راه نوجوانی است؛ نوجوان در انتظار جوانی، و جوان، با دنیایی از آمال و آرزو، آماده زندگانی.

میانسال و کهنسال نیز برای تحقق آرزوهایشان چشم امید به آینده دارند.
آری!

امید، آرزو و نگاه به آینده، رمز زندگی و راز حیات و برازندگی است؛ کسانی که جاهلانه و عامدانه خود را از نعمت حیات محروم می‌نمایند چراغ امید در دلشان کم فروغ گشته و یا به خاموشی گراییده است، و در عرصه زندگی به بن‌بست یأس و ناامیدی رسیده‌اند.

اما آنان که همواره چشم‌اندازی روشن و آینده‌ای درخشان را پیش رو می‌بینند، همیشه احساس نشاط، کامیابی و موفقیت می‌نمایند و جوانه‌های امید را در دل می‌پرورانند.

اختلاف اساسی میان تفکرات مادی و الهی نیز در همین هدفداری و امیدواری، و یا بی‌هدفی و ناامیدی است. آرزوها در مکاتب مادی محدود و پایان پذیرند. و قادر نیستند انسان را به حال اقناع و ارضای کامل برسانند. انسان‌هایی که چنین ایدئولوژی‌هایی دارند، دیر یا زود به بی‌هدفی، پوچی و ناامیدی رسیده، دچار دل‌مردگی و افسردگی می‌شوند، و به زودی خواسته یا ناخواسته تسلیم عفریت مرگ خواهند شد. و چنانچه زنده بمانند در حقیقت مردگانی متحرکند که فقط نام حیات را با خود حمل می‌کنند.

یکی از امتیازات ادیان الهی بر بینش‌ها و نگرش‌های مادی، وعده و وعیدهای راستین و نگاه جامع نگر، دوسویه و امید بخش به این دنیا

و جهان واپسین است. در این میان، اسلام به عنوان کامل ترین، جامع ترین و آخرین منشور آسمانی، از نوعی ویژگی برخوردار است که تحقق آرزوهای حقیقی بشر، مانند گسترش حق و عدل در سراسر گیتی، برچیده شدن فقر، ظلم و نابرابری در قالب استقرار یک حکومت واحد جهانی به رهبری اَبَرِ مردی الهی را به خود اختصاص داده است بدین سبب برای بزرگداشت زادروزِ رهبر این نهضت جهانی یعنی مهدی آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام اهمیت ویژه‌ای قائل است.

با تولد او در سپیده دم پانزدهم شعبان ۲۵۵ هجری قمری، نهال امید همه پیام‌آوران الهی به گل نشسته و پهنه گیتی به نور وجود اقدسش منور گردیده است.

ماه آسمان در شب میلاد آن دُرّ یگانه هستی برای تکمیل قرصِ خویش به ماه پاره نرجس تأسی نمود و این مولود مه پیکر و نیک رخسار نیز چون ماه آسمان که در آغازین روز خویش به راحتی قابل رؤیت نیست و استهلال می‌طلبد، در بطن مادر به آرامی و پنهانی به دور از چشم خفاشان شب تکمیلِ قرصِ چهره ملکوتی خویش را به انتظار نشست. ستارگان، چشمک‌زنان به بیت عسکری عَلَيْهِ السَّلَام و خانه امید مهدوی نزول اجلال می‌نمایند به سرور کنیزان و مام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام روزگاران تبریک و تهنیت نثار می‌کنند.

ابرها بر گلبرگ‌های زیبا و لطیف اما محروم و افسرده، شب‌نم نشاط و آزادی و رهایی می‌نشانند.

همه قدیسان عالم چشم به راه‌اند تا مولود نیمه شعبان پا به عرصه

گیتی نهد و همه وعده‌ها و آرزوها را تحقق بخشیده و انسان‌ها را از اسارت و استضعاف رها کند. کسی که میلادش پیام‌آور شادی، و نوید بخش عدل جهانی است؛ و ظهورش پایان‌بخش همه ظلم‌ها، ظلمت‌ها و تاریکی‌ها، و آغازگر همه نیکی‌ها، عدالت‌ها و روشنی‌هاست. و البته روزگارش دوران برخورداری از همه نعمت‌ها، و تحقق آرزوی همه انبیا و اولیای خدا است.

امشب کروبیان و افلاکیان از «عرش» به «فرش» فرود می‌آیند تا در جشن شادمانی میلاد آخرین حجت خدا خویشتن را به عطر بهشتی او متبرک سازند.

امشب فرشتگان موکل آدیان کلک‌های زرین در دست دارند تا پاداش شب‌زنده‌داران و عشاق مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله را ثبت نموده به محضر ربوبی عرضه نمایند و مقدرات مردم را به امضای محضر باهرالنورش برسانند.

امشب زمین و زمان بر شکوفه جهان آرای نرگس رشک می‌برند و غبطه می‌خورند، زیرا:

او آمده تا به رسالت همه انبیا معنا بخشد.

او آمده تا مفهوم نبوت همه اصفیا، و امامت همه اولیا را آشکار سازد.

او آمده که تا در پایان دنیا حجت خدا بر خلق خدا باشد.

او آمده تا به انتظار همه چشم‌انتظاران پایان بخشد.

او آمده تا در گاه ظهور بساط ظلم و بیداد را برچیند و برابری و قسط را

در سراسر گیتی بگسترده، و پرچم برابری و برادری را به اهتزاز درآورد.

با این همه، اجر زحماتش همچون جدش رسولخدا ﷺ چیزی جز مودت خاندان پیامبر ﷺ نخواهد بود. کرامت اینجاست که نتیجه این دوستی و محبت نیز سرانجام به دوستان و محبین باز خواهد گشت، چنانکه پیش از این نیز چنین بوده است.

پس رواست که شعبان ماه بشارت باشد و رحمت؛ و ماه تهنیت باشد و برکت.

در روزهای آغازین این ماه ملائکه آسمانها به جشن و شادی میلاد سرور شهیدان، سالار رشیدان و زینت عبادت کنندگان می نشینند، و در نیمه آن چشمان خویش را به زاده نرجس علیها السلام روشنی و جلا می بخشند. پس مبارک باد ماه امید.

تهنیت باد بر نیمه آن.

سلام بر شیفتگان.

حَبَّذَا بَرِ يَارَانِ،

خوش بر احوال امیدواران.

زهی سعادت بر منتظران و چشم به راهان.

«اللَّهُمَّ ارِنَا الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْخَمِيْدَةَ وَاكْخُلْ

نَاظِرِي بِنَظْرَةٍ مِّنِّي اِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ».

مشهد الرضا عليه السلام

محمد ابراهيم حامد مهدوی

گامی به پیش

هم اینک با دلی مالا مال از امید و چشمانی پر از سرشکِ شوق، با روحی شیفته و تنی شیدا، در مسیر شناختِ دُرْدانهٔ تازه پا بر گیتی نهادهٔ عسکری علیه السلام گام برمی داریم و از دریای بی کرانهٔ رحمت و عنایتش امید قطره‌ای داریم که بر جسم و جانمان ریزد و تحوّل زندگیمان را سبب گردیده، بودنمان را معنی بخشد، و از نُحسران دنیوی و زیان اخروی نجاتمان دهد.

بی شک نخستین گام در این راه، آشنایی با حقوق آن عزیز است و پس از آن، معرفت، قدردانی و ادای آن حقوق؛ چرا که هر حجتی را بر خلق حقی است و هر امتی را نیز بر راهبر و پیشوای خویش حقی متقابل.

بی شک عدم شناسایی امام و بیگانگی با حقوق او، پی آمدش جهل و تضييع حق بوده و مصداق این حدیث شریف است:

« مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ [إِمَامَ زَمَانِهِ] مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً »^۱

« هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. »

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۳۰، باب ۷، حدیث ۶؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

حق حجت خدا بر خلق

از جمله حقوق امام علیه السلام بر آدمیان «حق وجود» است، زیرا وجود و حیات موجودات وابسته به ذات پاک و مقدس اوست.

پروردگار متعال در حدیث شریف کساء ذوات مقدسه خمسۀ طیبه را، علت و سبب آفرینش آسمانها و زمین، نورانیت ماه و درخشندگی خورشید و گردش افلاک معرفی نموده است.^۱

چراکه اینان علت پیدایش جهاناند. دنیا و آنچه در اوست، به خاطر آنان و به یمن وجود ایشان پدید آمده و سایر موجودات و پدیده‌ها از جمله انسانها، طفیلی وجود آن بزرگواران می‌باشند.

بر این باور، حق شناسی انسان ایجاب می‌کند آن را که وجودش وابسته به او است و حیات و زندگی‌اش وام‌دار او، مورد تعظیم و تکریم قرار داده و سپاسگزار نعمت وجودش باشد.

۱. «... فقال الله عزوجل يا ملائكتي و يا سكان سماواتي اني ما خلقت سماء مبنية و لا ارضا مدحية و لا قمراً منيراً و لا شمساً مضيئة و لا فلکاً يدور و لا بحراً يجری و لا فلکاً يسرى إلا فی محبة هؤلاء الخمسة الذين هم تحت الكساء». (حدیث شریف کساء، مفاتیح الجنان).

در روزگار ما که آخرالزمان است، آخرین حجت معصوم خدا و آخرین دُرّ خزانة الهی بر روی زمین مهدی آل محمد علیهم السلام است؛ که خداوند به یمن وجود مقدسش زمین و آسمان را برپا نگاه داشته، دل‌های مؤمنین را به نور ولایتش روشن فرموده و از تصدّق وجود ذی جودش همه را به نعمت‌های خویش متنعم گردانیده است.

مولای موحدان و امیر مؤمنان علیه السلام این معنی را در سخنی شیوا چنین بیان فرموده‌اند:

«بِئْمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بُوْجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»^۱

«به میمنت و مبارکی وجود مقدسش (امام عصر علیه السلام) به مردم روزی داده می‌شود. و به خاطر وجود ذی‌قیمتش زمین و آسمان‌ها پابرجاست.»

امام علیؑ حلقہ
اتصال زمین و آسمان

پیش‌تر گفتیم که امام فلسفه بودِ عالم وجود است و نبود او نیستی هستی است.

با نگاهی دقیق‌تر و با بینشی عمیق‌تر به این واقعیت می‌رسیم که انسان با همه ضعف جسمی و توصیف الهی که می‌فرماید: ﴿ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴾^۱، و با همه قوت و عظمت روحی و استعداد صعود به عالم ملکوت و برخورداری از روح الهی،^۲ در حیطة قرب پروردگار است و هرگاه که از حال غفلت خارج شده و به خود آگاهی دست یابد، این قرب جوار را به راحتی احساس می‌کند و مفهوم این کلام خالق متعال را به آسانی درک می‌کند که فرمود:

﴿ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴾^۳

ما از رگ گردن به او نزدیک‌تر هستیم.

۱. سوره نساء، آیه ۲۸.

۲. بر اساس کلام خالق متعال « خلقت فيه من روحی ... »

۳. سوره ق، آیه ۱۶.

و این اتصال و همجواری با مبدأ هستی را براساس آیه:

﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ﴾^۱

اگر بنده من از من چیزی بخواهد همانا من نزدیک هستم.

به طور محسوس در وجود خویش می یابد. با وجود این، از آن جهت که میان خالق و مخلوق در عین ارتباط و اتصال، سنخیتی وجود ندارد، پروردگار عالم از سر لطف و شفقت و عنایت و رحیمیت خویش، انسان‌هایی ملکوتی را که صبغه الهی داشته و در اصل علوی و آسمانی‌اند در قالب زمینیان میان خود و خلق خویش واسطه قرار داده تا حلقه اتصال موجودات پست به عالم بالا باشند و حسیض خاک را به ملکوت اعلی پیوند دهند.

در این میان امت آخرالزمان را که در روزگار آخرین سفیر خویش زندگی می کنند، به نعمت وجود مهدی و قائمش علیه السلام متنعم نموده و از آدمیان خواسته است تا با شناخت، تکریم و تقدیس این نماینده و برگزیده به معرفت او همت گمارند و به محبتش دل ببندند، و به حبل ولایتش چنگ زنند و به دامن کرامتش بیاویزند و در آستان کبریائی اش سرفرود آورند؛ و اگر خواستار نجات و سعادت خویش‌اند و گشایش امور و معضلات خویش را می طلبند، بر فرج و ظهور آن عزیز دعا کنند، و در فراقش از دیدگان سرشک غم بر دامن غربت ریزند؛ و همچنین در ایام غیبتش که روزگار غرق همگان در غرقاب فساد و

تپاهی و جهل و بیداد است، بر دعای غریق مداومت ورزند و هماره لبان خویش را به ذکر این دعای شریف مترنم سازند:

« يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي
عَلَى دِينِكَ »^۱.

و چنانچه خواستار بهشت برین و زندگی برتر هستید، کردار و گفتار و آرزوهایشان را با آن عزیز هم سو نمایند.

آنان باید در ظلمتکده زندگی و در روزگار پر فتنه و تاریک غیبت، نگاهشان را از آن مشعل فروزان برندارند، خانه دل را به زیور محبتش بیارایند، به پیشوایی آن راهبر یگانه گردن نهاده، و به معرفتش بیش از پیش همت گمارند؛ و التجای دائمی آنها این باشد که:

« اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ
نَبِيَّكَ ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ
لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي
حُجَّتَكَ ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي »^۲.

این معرفت، با این مراتب، نتیجه اش دلدادگی و شیفتگی، و بازتابش تحوّل همه شئون زندگی است.

این التجا و درخواست و توسل مدام از این باب است که مسلمین بیدار و مؤمنین هشیار هماره بر اعتقادات خویش پای بفشارند و به یاد

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۲۵۱

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، باب الغيبة.

خدا و حجت او باشند تا بیش از پیش مشمول نعمت و رحمت قرار گیرند:
- مبادا دچار غفلت و حیرت شوند.

- مبادا هجران پدر چنان کند که به بی‌پدری خو بگیرند و از یاد ببرند
که نقش پدر، نقش وجود است. بود او هستی و حیات است، و نبودش
نیستی و فنا است.

- مبادا به جای پناه به دامان پدر، سر بر دامان بیگانگان بگذارند.

- مبادا مهر متصل و محبت سرشار او را فراموش کنند.

- مبادا با طعنه اغیار و تهمت بی‌پدری، از صحنه‌های اجتماعی کنار روند.

- مبادا رفتار و کردارشان به گونه‌ای باشد که مردم، پدر امت را به

خاطر آن‌ها شماتت کنند.

بلکه بهتر است:

هر از گاهی یتیمان از آل محمد علیهم‌السلام گرد هم آیند و قصه پدر زنده

غریب دور از دیار را بر یکدیگر بازگو کنند، و همه روزه با گلاب ناب گرد

یتیمی را از چهره بزدایند و مستی را نیز بر راه بیاشند و به انتظار بنشینند.

شاید که پدر را از دیار فرزندان درمانده و بی‌پناه گذری باشد و از سر لطف و

احسان، نظری.

شكوه یتیمان
در ماتم كده هجران

قصه پُر غصه حرمان!

توصیف‌گونه‌ای از پدر در کلام پدر:

من بی‌پدری ندیده بودم سخت است کنون که آزمودم

... شب بود و سکوت بود و دیگر هیچ.

... او بود و ما بودیم و دیگر هیچ.

... راز بود و رمز بود و خلوت، و دیگر هیچ.

... دل‌هایی آماده، چشمانی گشوده و راه کشیده.

... گوش‌هایی شنوا و پندهایی زیبا.

پدر با زبانی گویا و حسرتی جانکاه، از سوز دل و عمق وجود آنچه

را تاکنون نگفته بود و ما نشنیده بودیم، و به دانستنش مشتاق بودیم،

برایمان بازگفت.

پدر می‌گفت:

من از پدرم و او از پدرش و او از نیاکان خویش ... همچنان به یاد

داریم که امت‌های پیشین را هر یک پدری مهربان و عطوف بوده که مردم در

خلوت و آشکار سر بر دامن لطفشان می گذاشتند و از لبان لعل فام آنان، شکوفه‌های حیات می چیده‌اند و سخنان گهربارشان را چون دُرّی شاهوار آویزه گوش نموده و بر جای گام‌هایشان گام می‌نهادند، راه را از چاه باز می‌شناختند.

آن امت‌ها:

- خود را پیرو، و آنان را پیشوای خویش

- خود را مطیع، و آنان را فرمانروای مطلق

- خود را ذلیل، و آنان را عزیز

- خود را خاکی و پست، و آنان را علوی و آسمانی

- خود را ریزه‌خوار، و آنان را ولی نعمت خود

- خود را بی‌آنان شقی، و با آن‌ها سعیدِ دو سرا

- خود را درمانده، و آنان را پناه می‌دانسته‌اند.

و من سراپا گوش، نگاهم را به چهره‌اش دوخته و دلم نیز از حرارت سخنانش چون هزاران شمع افروخته ...

او باز هم ادامه داد؛ در حالی که از چشمان بی‌رمق و بی‌فروغش دانه‌های مروارید فراوانی بر دامن حسرت می‌ریخت و کلام گرمش را با آهی سرد از درون آمیخته بود.

پدر چنین می‌گفت:

پدرم و پدرش و پدر او و او و ...

سالیانی دراز هر صبح در دعای عهد، با پدر غریب یتیم‌نوازِ دور از دیار خویش تجدید عهد می‌کردند و به او وعده می‌دادند که اگر این بار

باز آید:

- بی مہری و جفا نبیند.
- از دوستان و یاران جز وفا نبیند.
- از فرزندان، نافرمانی و خطا نبیند.
- بر لاله‌های دشت فراق، جز داغ نبیند.
- بر چہرہ پدران، جز غبار یتیمی نبیند.
- در دردمندان، جز درد بی کسی نبیند.
- از چشم بہ راہان جز قصہ پر غصہ ہجران نشنود.
- در وادی عشق، جز شیفتگان و سوختگان را نیابد.
- در دل سوختگان، جز آتش و آہ نبیند.
- از محبین، جز محبت نبیند.
- از شیعیان و پیروان، جز اطاعت محض نبیند.

سپس ادامه داد:

آنگاہ کہ او باز گردد:

کفن سفیدِ مردگانی را کہ سالیانی دراز در سپیدہ دمان با او بہ نجوا
نشسته و سرانجام بی لقایش و با غم انتظارش سر بہ تیرہ تراب بردہ اند،
از آتش فراق، سوخته و سیاہ خواهد دید.

آنگاہ کہ او باز گردد:

چشمان مردگانی را کہ سال‌ها در ہجرانش سرشک غم بہ دامن
ریختند، کور خواهد یافت و باید کہ بہ گوشہ دامنش این یعقوب‌های
منتظر را یک بہ یک بینایی دہد.

و باز گفت و گریست ، تا از خود بی خود گشت و مرا و برادران مرا نیز از خود بی خود نمود ؛ داغ فراق و جدایی مان را تازه کرد و خود نیز با تجدید داغ‌های خویش گریبان حسرت درید و آنقدر گفت و گفت تا نیم افروخته‌های هیمه‌های عشقش شعله‌ای دوباره گرفت

لختی گریست و باز ادامه داد. لختی سکوت و باز ادامه داد...

سرانجام پس از بارها گریستن و هق هق و تأمل و تحمل و سکوت ، به چهره افسرده و غمزده مانگاهی کرد و چنین گفت :

فرزندانم ! من نیز مانند شما سالیانی دراز بر محرومیت از وجود پدر صبر نمودم و از این درد جانکاه رنج بردم ؛ در حالی که هر صبح و شام ، به تمنای وصالش اشک می ریختم ، تا این که یکبار ... آری فقط یکبار ... آن‌هم نه در بیداری که در رؤیا به محضرش شرفیاب شدم و از آن پس تاکنون که بیش از پنجاه بهار را پشت سر نهاده‌ام در حسرت دیداری دیگر می سوزم و می سازم . به خدا قسم اگر آنچه را که من دیده‌ام می دیدید ، لحظه‌ای از یادش غافل نمی شدید ، هستی تان را در برابر یک نگاهش می بخشیدید و از خدای خویش می خواستید که همه نعمت‌ها را از شما باز ستاند و در مقابل ، دیدارش را لحظه‌ای نصیب و روزیتان نماید . عزیزانم ! توصیف من از آن چهره ملکوتی و آینه تمام نمای هستی که لحظاتی میهمان جام بلورین نگاهم بوده چنین است :

او پدری است مهربان و یتیم نوازی است بی نظیر ،

با قامتی عباس گونه ،

و خالی چون پیامبر ﷺ بر گونه ،

قد و بالایی رعنا ،

چهره‌ای یوسف گونه و دلربا،

سیمایی ملکوتی،

لبانی لعل فام،

صدایی داوودی،

کلامی مفتون شدنی،

ابروانی کمانی،

عطری خدایی،

قدومی استوار،

متانتی خارج از توصیف،

نگاهی جذاب،

جلال و شکوهی ستودنی،

سرود انتظاری سرودنی،

صفات خدایی و خدادادی.

سرانجام با چشمانی اشکبار و دلی محزون و رخی افسرده سخنش

را این چنین به پایان بُرد که: فرزندانم! رواست هر صبح و شام چهره

ملکوتی‌اش را در نظر آورید و چنین خطابش کنید:

سَیِّدِی و مَوْلای بَیِّی أَنْتَ وَأُمِّی^۱

آنچه خوبان همه دارند؛

تو تنها داری

۱. سرور من، آقای من، پدر و مادرم فدای شما باد!

آری! او ماه پاره نرجس، دُر دانه عسکری علیه السلام، عزیز زهرا علیها السلام و امید
اولیا و اصفیا و روشنی چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

و چنان است که:

ظهورش از مکه،

دعوتش از کعبه،

عدلش جهان گستر،

قسطش فراگیر،

اخلاقش الگو،

کردارش اسوه،

گفتارش نور،

و پیامش پندآموز؛

توصیه‌اش:

تهجد، تقوا، انجام واجبات، ترک محرمات.

تأکیدش:

نافله، عاشورا، جامعه؛

و رهنمود مدامش:

«دعا بر فرج»

از این رو است که:

خدمتگزاریش افتخار اولیای خداست.^۱

۱. امام صادق علیه السلام: لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸)

و صبر به روزگار غیبتش جهاد در رکاب رسول خدا ﷺ.^۱
و التزام رکابش، آرزوی کودکان در گاهواره‌ها.^۲
و قیامش آرزوی مظلومان و محرومان و مستضعفان.

او می‌آید و خزان اندوه‌بار غیبت را به بهار دل‌انگیز ظهور مبدل
می‌سازد، و با شکوه و هیبت عسکری، با صولت و جلال حیدری،
قرآن پیامبر در کف، عصای موسی در دست، انگشتر سلیمان در
انگشت، ذوالفقار حیدری بر کمر، زره علی علیه السلام بر تن، پیراهن
حسین علیه السلام در بر، در کنار بیت الله با پرچم «البيعة لله»، به همراهی ۳۱۳
یار باوفا ظهورش را اعلام می‌کند.

در آن روز

پهنه گیتی همه نور،
تاریکی و ظلمت از همه جا دور،
ظهورش محوکننده ظلم‌ها و ستم‌ها،
قیامش پایان دهنده جنگ‌ها، دشمنی‌ها و تباهی‌ها،
شمشیرش راست کننده کجی‌ها،
نورش روشنگر ظلمت‌ها و تاریکی‌ها،

۱. کمال الدین، ص ۳۱۷

۲. امام عسکری علیه السلام: ای فرزندم! چنان می‌بینم که زمان تأیید تو با امدادهای غیبی نزدیک
است... دوستان تو همچون دانه‌های در گرانها که در رشته‌ای قرار گیرند شمع وجودت را
احاطه نموده‌اند. کودکانی که در گاهواره‌ها آرمیده‌اند آرزو می‌کنند کاش می‌توانستند
برخیزند و به سویت بشتابند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵)

علمش کامل کننده علوم انبیا و اولیا،
 برنامه‌اش گسترش نیکی‌ها و خوبی‌ها،
 و محو زشتی‌ها، بدی‌ها و ناخوشایندی‌ها.
 آری، زمان حکومتش گاه برخورداری از نعمت‌ها است.
 در هنگامه‌ای که او با قدوم ملکوتی‌اش، بر پهنه زمین نزول اجلال
 فرماید بهترین و خوشبوترین و زیباترین گلها را بهار به محضرش پیش‌کش
 می‌برد. زمین معادنش را در طبق اخلاص نهاده تقدیمش می‌کند.
 با مژده ظهورش همه رنج‌ها، ستم‌ها حق‌کشی‌ها و بی‌عدالتی‌ها پایان
 یافته و همه ظلمت‌ها و سیاهی‌ها از پهنه گیتی رخت برمی‌بندند و جای
 خویش را به روشنی، نور، ظراوت، آزادی و برخورداری می‌دهند.
 همه، پیروزی دین خدا را خواهند دید.
 همه، مفهوم زندگی را خواهند فهمید.
 همه، شیرینی عدل را خواهند چشید.
 حتی مردگانی که در زمان حیات خویش به عشق دیدارش چهل
 صباح^۱ با قرائت دعای عهد با او پیمان وفاداری خویش را تجدید نموده
 بودند ولی اجل میان آن‌ها و آن وجود مقدس فاصله انداخته بود به
 آرزویشان خواهند رسید:

کروبیان از شادی و سرور سر به عرش می‌سایند. بلبلان نغمه عشق
 و وصال سروده، به جشن و سرور می‌نشینند. گل‌های ناشکفته شکوفا

۱. صباح: پگاه، صبحگاهان.

می شوند و دشت‌ها به خرمی حضورش سرسبز می گردند. ابرها بر وجود نازنین او و یارانش سایه می افکنند. گرگ و میش دشمنی و خصومت را از یاد می برند و از یک آبشخور آب می آشامند. زمینیان از وفور نعمت سر از پا نمی شناسند.

داراییهای زمین همگانی می شود و در اختیار مؤمنین و محرومین قرار می گیرد.

مؤمنین با صمیمیت از جیب یکدیگر نیازشان را برمی دارند. عیسای مسیح از آسمان فرود می آید و عاشقانه و خالصانه او را مقتدا و پیشوای خویش قرار می دهد و به این اقتدا بر خود می بالد. انبیا، اولیا و اصفیا به ظهورش مسرور، و شیعیان به حضورش مبرورند. عشاق و شیفتگانش همه شاد و مشعوف خواهند بود. و همگان شاکر و قدردان نعمت وصال و پیروزی.

با چنین توصیف‌هایی از یار، و چنان برنامه‌هایی از دلدار، بر هر پدری که هم‌اکنون پدر است و بر هر فرزندی که در آینده پدر خواهد بود واجب و وظیفه است که حقوق از یاد رفته آن پدر مظلوم را برای نسل‌ها بازگویند و همه‌روزه به رسم ادب به پیشگاهش سلام و درود نثار کنند، و رفع هم و غمّش را به ظهور موفورالسرورش از خدای خویش بخواهند.

اکنون با امید به عنایات کریمانه‌اش و با استمداد از انفاس قدسی‌اش پیش از هر سخنی سرگذشت شیرین و عبرت‌انگیز مادر بزرگوارش را از نظر گذرانده و پس از آن رهروی راه معرفتش را پی می گیریم.

سرگذشت نرجس خاتون علیہ السلام

بُشر بن سلیمان که از شیعیان و ارادتمندان امام هادی علیه السلام و امام
عسکری علیه السلام و در همسایگی امام هادی علیه السلام بوده است می گوید:
خادم امام هادی علیه السلام نزد من آمد و گفت که حضرت با تو کاری
دارند. من شرفیاب حضور حضرت شدم. ایشان نامه‌ای به خط فرنگی
نوشتند و آن را همراه یک کیسه زر که در آن دویست و بیست سکه بود،
به من مرحمت نموده و فرمودند:

به بغداد می روی و در فلان روز در لنگرگاه فرات حضور می یابی؛
هنگامی که اسیران را به ساحل آوردند، برده فروشی به نام عمرو بن زید
را زیر نظر بگیر و مراقب او باش تا کنیزی را با این صفات و
خصوصیات که به تو می گویم برای فروش بیاورد. آنگاه حضرت
خصوصیات او را بیان فرمود و اضافه نمود که آن کنیز نمی گذارد
مشتریان به او نظر کنند یا بدنش را لمس نمایند، بلکه می گوید: من
خودم باید خریدارم را انتخاب کنم. در این هنگام تو پیش برو و نامه مرا
به آن کنیز بده و او را خریداری کن.

بشر بن سلیمان گوید: مطابق فرموده امام علیه السلام عمل کردم. آن کنیز چون نامه را نگریست، بسیار گریست و به عمرو بن زید گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش؛ و سوگندها خورد که اگر چنین نکنی خود را هلاک می‌کنم.

بشر بن سلیمان گوید: کنیز را با همان سکه‌های موجود در کیسه زر خریدم. چون به منزلی که در بغداد تهیه کرده بودم، رسیدیم، آن کنیز نامه امام علیه السلام را بیرون آورد، در حالی که آن را می‌بویید، می‌بوسید و بر دیده می‌گذاشت. با تعجب گفتم: چگونه نامه‌ای را می‌بوسی که صاحب آن را ندیده‌ای و نمی‌شناسی. پاسخ داد: گوش فرادار تا سرگذشت خود را برای تو شرح دهم.

من ملیکه، دختر یسوعای فرزند قیصر و پادشاه روم هستم و مادرم از فرزندان شمعون بن حمون بن صفا، وصی حضرت عیسی علیه السلام است. هنگامی که سیزده ساله بودم، جدم قیصر خواست، مرا به عقد برادر زاده خود درآورد، پس جمع کثیری از علمای مسیحی و امرای لشکر و صاحبان منزلت را به قصر خود فرا خواند. آنگاه به دستور او تختی بزرگ و جواهرنشان برای پسر برادرش مهیا ساختند و بت‌ها و صلیب‌ها را بر جایگاه بلندی قرار دادند. آنگاه برادرزاده خود را بالای تخت فرستاد. اما همین که کشیش‌ها انجیل‌ها را برای برگزاری مراسم به دست گرفتند تا بخوانند، بت‌ها و صلیب‌ها سرنگون شد، و تخت واژگون گردید، و داماد از تخت به زیر افتاد و بی‌هوش شد.

کشیش‌ها با دیدن این منظره به وحشت افتادند و از پادشاه خواستند

تا ایشان را از این کار معاف دارد. جدم نیز این امر را به فال بد گرفت و به کشیشان دستور داد بار دیگر تخت را برپا کنند و صلیب‌ها را به جای خود نهند. این بار برادر آن داماد نگون بخت را بر تخت نشانند. اما هنگامی که انجیل‌ها را گشودند و شروع به خواندن کردند، دوباره تخت واژگون گردید و بت‌ها و صلیب‌ها به همراه داماد سرنگون شدند. مردم چون برای بار دوم این منظره را دیدند، متفرق شدند و جدم نیز به حرم سرا بازگشت.

شب در عالم رؤیا دیدم که حضرت مسیح علیه السلام و شمعون و گروهی از حواریین، در قصر جدم جمع شدند و در جای همان تختی که برای داماد قرار داده بودند، منبری از نور نصب نمودند؛ منبری که از بلندی سر به آسمان می‌سایید. پس از آن حضرت محمد صلی الله علیه و آله با وصی و دامادش علی بن ابی طالب علیه السلام و جمعی از امامان و فرزندان ایشان به قصر وارد شدند. مسیح مؤدبانه به استقبال حضرت محمد صلی الله علیه و آله شتافت و آن حضرت را در آغوش گرفت.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله به مسیح فرمودند: ای روح الله! ما آمده‌ایم از ملیکه، دختر وصی تو شمعون، برای فرزندم خواستگاری کنیم. و اشاره فرمودند به امام حسن عسکری علیه السلام فرزند کسی که تو نامه ایشان را به من دادی حضرت عیسی علیه السلام به شمعون نظر کرد و فرمود: شرافت دو جهان به تو روی آورده است.

چون شمعون پاسخ مثبت داد، همگی بالای آن منبر رفتند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله خطبه‌ای خواندند و (در حضور حضرت مسیح علیه السلام) مرا به عقد امام عسکری علیه السلام درآوردند.

صبحگاهان که سر از خواب برداشتم، این رؤیا را برای جدم بازگو نکردم، اما از محبت آن خورشید امامت، صبر و قرارم از دست رفت، و از خواب و خوراک باز ماندم و بیمار شدم. هر جا طبیبی یافتند به بالینم آوردند، اما تأثیری نکرد.

شبى دیگر در رؤیا دیدم که سرور زنان، فاطمه زهرا علیها السلام به دیدن من آمدند در حالی که حضرت مریم علیها السلام همراه با هزار کنیز بهشتی در خدمت ایشان بودند. پس حضرت مریم علیها السلام به من فرمود: این بانو، سرور زنان و مادر شوهر توست. من به دامنش آویختم و گلایه کردم که فرزندش به دیدن من نمی آید، حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: چگونه فرزندم به دیدن تو آید، در حالی که تو مسیحی هستی. پس شهادتین را به من تعلیم فرمود. چون من شهادتین گفتم، مرا در آغوش گرفت. و به من مهر و محبت فرمود، پس از آن، هر شب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را در خواب می دیدم.

بشربن سلیمان پرسید: چگونه اسیر شدى؟

ملیکه در پاسخ گفت: شبى از شبها، امام حسن عسکری علیه السلام به من خبر داد که در فلان روز، جدت لشگری به جنگ مسلمانان می فرستد و خود به دنبال آنان روان می شود؛ تو نیز به صورت ناشناس، در میان کنیزان و خدمتکاران، از پی جدت روانه شو. من همین کار را کردم تا این که پیش قراولان لشکر مسلمانان با ما روبرو شدند و ما را اسیر نمودند. هنگامی که غنایم جنگ را تقسیم می کردند، مرا به پیر مردی دادند، او نامم را پرسید؟ گفتم: من نرجس نام دارم. گفت: این نام کنیزان است.

بشر بن سلیمان گوید: او را به سامرا، خدمت امام علی النقی علیه السلام رسانیدم. حضرت به او فرمودند: چگونه خدا به تو عزت دین اسلام و ذلت دین نصاری و شرافت محمد صلی الله علیه و آله و اولاد او را نشان داد؟ او پاسخ داد: چه بگویم درباره آنچه که شما بهتر از من می دانید؟

حضرت فرمودند: مایل هستی ده هزار اشرفی به تو بدهم یا این که تو را به شرافت ابدی بشارت دهم. او پاسخ داد: من بزرگواری و سربلندی ابدی می خواهم. حضرت فرمودند: بشارت باد تو را به فرزندی که «پادشاه شرق و غرب عالم خواهد شد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از این که از ظلم و جور پُر شده باشد.»

پس حضرت، خادم خود را خواست و به او فرمود: برو خواهرم، حکیمه خاتون علیها السلام^۱ را بخوان. چون حکیمه علیها السلام وارد شد، حضرت به او فرمود: این، همان کنیزی است که در مورد او با تو سخن گفتم. او را به خانه خود ببر و احکام دین را به او بیاموز. او همسر امام حسن عسکری علیه السلام و مادر صاحب الزمان علیه السلام است.^۲

۱. این بانوی مجلله دختر امام جواد علیه السلام، خواهر امام هادی علیه السلام و عمه بزرگوار امام عسکری علیه السلام است.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶-۱۰، ح ۱۲؛ با تلخیص و اندک تصرف در عبارت. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: مهدی موعود، ص ۸-۱۴؛ و آشنایی با حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۱-۱۹.

ولادت و شمایل

حضرت مهدی علیه السلام

تولد حضرت مهدی علیه السلام^۱

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد

دل رمیده ما را انیس و مونس شد

حکیمه خاتون گوید: روزی شرفیاب محضر برادر زاده‌ام امام حسن عسکری علیه السلام شده و تا غروب آفتاب در خدمت حضرتش بودم؛ هنگامی که خواستم بازگردم، ایشان فرمودند: عمه جان! امشب نزد ما بمان، در این شب فرزندی متولد می‌شود که «خداوند زمین را به وسیله او با علم و ایمان و هدایت، زنده می‌کند، پس از این که با گسترش کفر و گمراهی مرده باشد.» عرض کردم: از چه کسی؟ من که در نرجس آثار حمل نمی‌بینم. حضرت فرمودند: خداوند حمل او را چون مادر حضرت موسی علیه السلام مخفی قرار داده است.

۱. به نقل مرحوم شیخ صدوق، مرحوم شیخ طوسی و کلینی واقعه ولادت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام.

نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری بوده است.

حکیمه گوید: آن شب در منزل حضرت ماندم، افطار کردم و هنگام استراحت، نزدیک نرجس خوابیدم و پیوسته مراقب او بودم. او آرام خوابیده بود و من در حیرت بودم. چون آثاری نمودار نبود. در این شب زودتر برای نماز شب برخاستم، چون به نماز و تر رسیدم، نرجس از خواب برخاست، وضو گرفت و مشغول نماز شب شد.

به آسمان نگاه کردم، فجر کاذب دمیده و صبح صادق نزدیک بود؛ چیزی نمانده بود که در دلم شک پدید آید، ناگاه امام عسکری علیه السلام از داخل حجره خود صدا زدند: عمه جان! شک مکن، وعده‌ای که داده‌ام نزدیک است. در این هنگام آثار درد زایمان در نرجس پدیدار شد، من نام خدا را بر او خواندم. حضرت فرمودند: بر او سوره قدر بخوان. من شروع به خواندن سوره قدر نمودم و شنیدم که آن طفل در بطن مادر با من همراهی می‌نمود و بر من سلام کرد. من ترسیدم... صدای امام بلند شد که عمه جان! از قدرت خداوند تعجب مکن؛ خداوند، ما را در کودکی به حکمت خویش گویا می‌گرداند، و در بزرگسالی، حجت خود در زمین قرار می‌دهد.

کلام حضرت که به پایان رسید نرجس از دیده من غایب شد، با شتاب به سوی امام علیه السلام رفتم تا نگرانی خود را ابراز نمایم حضرت فرمودند: باز گرد، او را خواهی یافت. چون باز گشتم، در نرجس نوری مشاهده کردم که چشم را خیره می‌ساخت. حضرت صاحب الزمان علیه السلام را دیدم که رو به قبله به سجده افتاده و بر زانو نشسته و انگشتان سبابه خود را بلند نموده است، و می‌فرماید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ
أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ

بعد نام یک یک ائمه علیهم السلام را بُرد تا به نام مبارک خودش رسید
آنگاه فرمود:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتِّمِّمْ لِي أَمْرِي وَتَثِثْ وَطْأَتِي وَامْلَأْ
الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا^۱

پس از آن حضرت عسکری علیه السلام صدا زدند: عمه جان! فرزندم را
بیاور. من نوزاد را در آغوش گرفتم در حالی که دیدم بر بازوی راستش
نوشته شده بود:

﴿ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾^۲

چون نوزاد را نزد حضرت بردم. او را روی دست گرفت و فرمود:
فرزندم! به قدرت الهی سخن بگو. پس صاحب الامر علیه السلام فرمود:

﴿ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
* وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ
أَيْمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ
فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴾^۳

۱. بارخدا یا! وعده‌ای که به من فرموده‌ای وفا کن و امر امامت مرا کامل کن و قدرت انتقام را به
من عنایت کن و زمین را به وسیله من از عدل و داد پر کن.

۲. حق آمد و باطل نابود گردید؛ یقیناً باطل نابود شدنی است. سوره اسراء، آیه ۸۱

۳. سوره قصص، آیه ۵ و ۶

شمایل حضرت مهدی علیه السلام

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي ، وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِيِّ^۱

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: مهدی علیه السلام از فرزندان من است که
چهره‌اش چون ستاره تابان می باشد.

و نیز فرمودند:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي ، لَوْنُهُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ وَجِسْمُهُ جِسْمُ اسْرَائِيلِيٍّ ،
عَلَى خَدِّهِ الْاَيْمَنِ خَالٌ^۲

مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است. رنگ او، رنگ نژاد عرب و
اندامش چون اندام فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام (قوی پی و بلند
قامت) است و یک خال بر گونه راست دارد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۸۰، حدیث هشتم، به نقل از کشف الغمه.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰، حدیث نهم، به نقل از کشف الغمه.

آشنایی بیشتر

نام: «محمد» هم نام بارسول خدا ﷺ

کنیه: ابوالقاسم (همانند پیامبر ﷺ)

پدر: امام حسن عسکری علیه السلام

القاب پدر: عسکری، زکی، خالص، هادی، صامت، خاص،

سراج، تقی

اسامی مقدسه مادر

نرجس خاتون (نرگس)، ریحانه، سوسن، ملیکا (ملیکه)، سبیکه^۱

القاب مشهور حضرت

* مهدی (هدایت شده - راهنمایی شده)

۱. برخی از عاشقان ولایت از سرعلاقه به نام مقدس مهدی نام «مهدیه» را برای دختر خویش برمی‌گزینند.

عن الصادق عليه السلام :

إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ مَظْلُومٍ عَنْهُ^۱

از امام جعفر صادق عليه السلام روایت شده است: از آنجا که امام عصر عليه السلام از جانب خدا به امور گمشده و از میان رفته (چون احکام از بین رفته و فراموش شده) راهنمایی می شود او را «مهدی» می گویند.

* منصور (یاری شده)

از امام محمدباقر عليه السلام روایت شده که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا...﴾ فرمودند: او حسین بن علی عليه السلام است، و در مورد بقیه آیه: ﴿فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾^۲ فرمودند: خداوند مهدی عليه السلام ما را «منصور» نامید.^۳

* قائم (قیام کننده به حق)

از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده که فرمودند: آن حضرت را به جهت این که بر اساس حق قیام می کند «قائم» می نامند.^۴ در حضور امام رضا عليه السلام از حضرت مهدی عليه السلام با این لقب یاد شد. حضرت از جای برخاسته تمام قد ایستادند، دست مبارک خویش را

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰ به نقل از ارشاد شیخ مفید.

۲. سوره اسراء، آیه ۳۳

۳. برای ولی امر سلطه (حق قصاص) قرار دادیم، پس در کشتن زیاده روی نکنند چون او منصور (یاری شده و مورد حمایت) است.

۴. ... وسمى القائم لقيامه بالحق (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰)

بر سر نهاده و تا حد رکوع ادای احترام نمودند. از سبب این کار سؤال شد. ثامن الأئمه علیهم السلام فرمودند: وقتی امامتان را با این لقب می خوانید به شما از سر لطف و مرحمت نگاه می کند. شایسته نیست که مولایتان بر شما این چنین نظر افکند و شما در مقابل او عرض ادب نکنید.^۱

* **منتظر** (آن که منتظرین، انتظار ظهورش را می برند)

صقر بن ابی دلف از امام جواد علیه السلام پرسید: چرا آن حضرت را «منتظر» می گویند؟ فرمودند: چون برای مدتی طولانی غیبت می نماید، افراد با اخلاص منتظر ظهورش خواهند بود، و اهل شک و تردید وجود وی را انکار می کنند، و چون یادی از او می شود منکرانش تمسخر می کنند! کسانی که وقت ظهور را تعیین می کنند، دروغ می گویند؛ شتاب کنندگان به هلاکت می رسند و آنها که در مقام تسلیم هستند، رستگار می شوند.^۲

* **هادی** (هدایت کننده - راهنمایی کننده)

* **حامد** (ستایشگر)

* **حجت** (دلیل و برهان الهی)

* **ابا صالح** (پدر نیکوکار)

* **امام عصر** (پیشوای زمان)

* **صاحب الامر** (صاحب فرمان الهی)

۱. (نقل به معنی)

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، حدیث ۴، به نقل از کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸

- * متقم (انتقام گیرنده)
- * ولی عصر (صاحب روزگاران)
- * بقية الله^۱ (باقی مانده رحمت پروردگار)

۱. ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ . باقیمانده رحمت خدا برای شما نیکوتر است. (سوره

نقش امام عسکری علیه السلام
در آماده نمودن زمینه
امامت حضرت مهدی علیه السلام

در روزگار حضور ظاهری امامان علیهم السلام روال جاری در میان شیعیان و پیروان امامان معصوم علیهم السلام چنین بود که در زمان امامت هر یک از این بزرگواران، پیروان راستین به محضر مقدسشان شرفیاب می شدند و گهگاه ضمن طرح پرسش های خود، مؤدبانه سؤال می کردند که چنانچه برای شما حادثه ای پیش آید امام پس از شما چه کسی خواهد بود؟ امامان نیز با توجه به شرایط گوناگونی که داشتند به مقتضای حال و موقعیت، به این پرسش پاسخ روشن و مناسب می دادند تا شیعیان در امر امامت دچار شک و تزلزل نگردند و تکلیف و وظیفه خویش را بدانند.

اما در زمان امام عسکری علیه السلام معرفی امام پس از ایشان همچون گذشته به صراحت و وضوح امکان نداشت زیرا:

۱- امام عسکری علیه السلام در دوران کوتاه بیست و هشت ساله عمر خود، با ۶ تن از خلفای عباسی (متوکل، منتصر، مستعین، المعتز، مهتدی و معتمد) هم عصر بودند. هر یک از آنان به شیوه ای امام علیه السلام را تحت کنترل داشتند و از هر نوع محدودیت برای حضرت فروگذار نمی کردند.

شواهد تاریخی بیانگر آن است که ظلم و ستم خاندان عباسی در زمان امام عسکری علیه السلام به اوج رسید تا آن جا که حکومت دستور داده بود که امام عسکری علیه السلام هفته‌ای دوبار روزهای دوشنبه و پنجشنبه در دربار حضور یابند، و این دستور هیچ انگیزه‌ای جز کنترل امام علیه السلام نداشت.

۲- برای امام عسکری علیه السلام یک فرزند بیشتر نبود و آن هم می‌بایست طبق مشیت پروردگار، دوران پیش از تولدش پنهانی و تولدش نیز از انظار مخفی باشد. با چنین شرایطی آشکار نمودن تولد فرزند و نشان دادن ایشان، جز به اصحاب خاص و حافظان اسرار اهل بیت علیهم السلام مصلحت نبود. دور نیست که چنین وضعی موجب ایجاد شبهه در توده مردم شود. چنانکه خود حضرت عسکری علیه السلام فرمودند: «هیچ یک از پدرانم مانند من گرفتار شک و تزلزل شیعیان در امر امامت نشدند».

۳- با توجه به این که حکومت عباسی و سایر مردم اعم از مخالف و موافق تشیع، از طریق اخبار متواتر شنیده بودند که مهدی موعود علیه السلام نابودکننده حکومت‌های خودکامه و ستمگر و پرچمدار حکومت حقه الهی و مستقرکننده عدالت علوی از نسل امام عسکری علیه السلام است، ناچار بودند که به شدت بیت حضرت علیه السلام را تحت کنترل داشته باشند تا به محض تولد چنین فرزندی او را به قتل برسانند. به همین جهت نقل شده است که یکی از کنیزان حضرت علیه السلام که احتمال حمل او می‌رفت قریب دو سال تحت نظر بود و چون ولادتی صورت نگرفت از نظارت/خارج شد.

۴- سنگین‌ترین و دشوارترین وظیفه امام عسکری علیه السلام آماده نمودن

مردمی بود که ۲۵۰ سال چهره به چهره و رو در رو با امامان خویش مانوس بودند، اما اینک می‌بایست برای غیبت کوتاه و پس از آن برای غیبت طولانی مدت امام خود، آمادگی پیدا کنند و از همه مهمتر این که تکلیف و وظیفه خویش را در روزگار پُر محنت و پُر فتنه هجران و دوری از امامشان بدانند و در عین حال به وجود مقدس آن دُرّ یگانه اعتقاد و یقین داشته باشند.

بدین سبب امام عسکری علیه السلام به مناسبت‌های گوناگون در حضور یاران مخلص و مطمئن خویش دُر دانه خویش را فرامی‌خواندند و آن حجت باقی را به یاران خود نشان می‌دادند.

غالب این ملاقات‌ها به گونه‌ای بود که از حضرت مهدی علیه السلام که کمتر از پنج سال داشتند کرامات و معجزاتی سر می‌زد که به یقین اهل یقین افزوده می‌گشت و اهل شک و تردید را به ایمان و یقین می‌رساند.

حسین بن ایوب بن نوح یکی از وکلای امام هادی علیه السلام می‌گوید:
ما چهل نفر بودیم که خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدیم، عثمان بن سعید رضی الله عنه^۱ نیز در میان ما بود، او به پا خاست و خطاب به امام عسکری علیه السلام گفت: می‌خواهم از چیزی سؤال کنم که شما نسبت به آن چیز از من داناتر هستید. امام علیه السلام او را به نشستن امر فرمود [زیرا دانست که منظور عثمان بن سعید جانشینی حضرت عسکری علیه السلام است].

لحظاتی گذشت. ناگهان کودکی که شبیه‌ترین مردم به امام عسکری علیه السلام

۱. این بزرگوار بعداً به عنوان اولین نایب خاص در دوران غیبت صغری از جانب امام عصر علیه السلام انتخاب شد.

بود وارد مجلس شد. امام علیه السلام فرمود: این امام شما بعد از من و جانشین من در میان شماست. فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نوزید. سعد بن عبدالله قمی گوید:

با احمد بن اسحاق که از شیعیان خاص و محبین حضرت عسکری علیه السلام بود به سامرا رفته خدمت مولایمان ابو محمد [امام عسکری علیه السلام] شرفیاب شدیم. احمد، انبانی محتوی یکصد و شصت کیسه سر به مهر از اشرفی و پول نقره از وجوهات شرعیة مردم را برای تقدیم به محضر امام علیه السلام بردوش داشت و آن را در زیر عبای طبری خویش پنهان نموده بود.

چهره امام عسکری علیه السلام چون ماه شب چهارده می درخشید و مشغول نوشتن مطلبی بر کاغذ سفیدی بود در حالی که بر زانوی راست مبارکش کودکی نشسته بود که در خلقت و منظر به ستاره مشتری شباهت داشت و خط فرق سرش مانند «الفی» بود که میان دو «واو» قرار گرفته باشد.

به آن حضرت سلام کردیم و ایشان پاسخ ملاطفت آمیزی داد و اشاره به نشستن فرمود. چون از نوشتن فارغ شد احمد بن اسحاق انبانش را از زیر عبای بیرون آورد و خدمت آن حضرت نهاد. امام علیه السلام به آن کودک نگاه کرد و فرمود: پسر جانم! مهر از هدایای شیعیان و دوستانت بردار. آن پسر عرض کرد: ای مولایم! آیا رواست دستی پاک را به هدایای نجس و اموال ناپاک که حلال و حرامش درهم آمیخته بیالایم؟ امام علیه السلام فرمود: ای پسر اسحاق! آنچه میان انبان است بیرون بریز تا حلال را از حرام جدا کند.

اولین کیسه‌ای که احمد از انبان بیرون آورد آن کودک بی آن که مهرش را بگشاید گفت: این کیسه از آن فلان بن فلان است از فلان محله قم و در آن شصت و دو اشرفی است که فلان مقدار از آن حرام است و دلیل حرمتش را نیز بیان فرمود.

سپس کیسه دیگری را درآورد و آن کودک فرمود: این از آن فلان پسر فلان ساکن فلان محله قم است و در آن پنجاه اشرفی است که دست زدن به آن بر ما روا نیست، زیرا اینها بهای گندمی است که مربوط به زراعت دو شریک بوده یکی از آنها هنگام تقسیم گندم‌ها سهم خود را به پیمانۀ تمام برداشته و سهم شریک خویش را به پیمانۀ ناقص داده است. مولای ما فرمود: پسر جانم راست گفتی. آنگاه رو به احمد بن اسحاق نموده فرمود: همه را به صاحبانش برگردان و سفارش کن که به مستحقان آن برساند. و ما را به این‌ها حاجتی نیست.^۱

ابوالادیان خدمتگزار مخصوص امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند:
من افتخار خدمتگزاری امام عسکری علیه السلام را به عهده داشتم. نامه‌ها و پیام‌ها و سفارش‌های آن حضرت را به دوستان و شیعیان در شهرها و آبادی‌ها می‌رساندم. در ایام بیماری امام عسکری علیه السلام شرفیاب محضر ایشان شدم. حضرت نامه‌هایی را که مرقوم داشته بودند به من دادند و دستور فرمودند که آن‌ها را به مدائن برسانم، و فرمودند: این مسافرت شما پانزده روز طول می‌کشد و هنگامی که به سُرَّ مَنْ رَأَى (سامرا)

برمی‌گرددی با صدای شیون و آه و ناله و ضجّه روبرو خواهی شد.^۱ عرض کردم: در آن صورت تکلیف من و پاسخ نامه‌ها چگونه خواهد بود؟ فرمود: هر آن کس که جواب نامه‌ها را از تو درخواست نمود، او جانشین و وصی من است. گفتم: لطفاً به معلومات من بیفزایید. فرمود: هر آن کس که بر من نماز بخواند او جانشین من است. عرض کردم باز بیفزایید. فرمود: هر آن کس که از محتویات کیسه نامه‌ها خبر دهد او جانشین من است. مهابت و عظمت امام علیه السلام اجازه نداد که دیگر سؤالی نمایم.

من نامه‌ها را به مدائن رساندم و پاسخ‌های آن‌ها را دریافت داشتم. روز پانزدهم بود که بازگشتم. هنگامی که وارد شهر سامرا شدم مشاهده کردم که شهر پُر از ضجّه و ناله است. چشمم به جعفر برادر امام علیه السلام افتاد که کنار درِ خانه امام علیه السلام ایستاده است. عده‌ای از مردم اطراف او را گرفته بودند و در مرگ برادر به او تسلیت، و به عنوان «امام و پیشوا» تهنیت می‌گویند. با خود گفتم اگر این شخص امام و پیشوای مردم باشد تکلیف امامت روشن است چون بارها با چشم خود دیده بودم که او شراب می‌خورد و در کاخ‌های اعیان و اشراف و رجال مشغول قمار بازی و میگساری و تفریح و عیاشی است.

جلوتر رفتم، به او تسلیت گفتم و نزدیکتر شدم. ولی چیزی در پاسخ من نگفت. در این لحظه عقید خدمتگزار دیگر امام عسگری علیه السلام بیرون آمد و رو به جعفر نمود و گفت که جنازه آماده است می‌توانید

۱. اشاره به شهادت خویش فرمودند.

نماز بخوانید. جعفر جلو رفت تا نماز بخواند. همین که خواست تکبیر بگوید، ناگاه کودکی از داخل منزل بیرون آمد. عبای جعفر را در هم کشید و فرمود: عمو عقب برگرد من سزاوارترم که بر جنازه پدرم نماز بگذارم. جعفر عقب برگشت و آن پسر نماز گزارد و جنازه را کنار قبر پدرش امام هادی علیه السلام دفن کردند.

پس از فراغت از نماز آن آقا زاده رو به من نموده فرمودند: بصری! پاسخ نامه‌ها را بیاور. با خود گفتم این هم نشانه دوم. تنها نکته ابهامی که در قضیه باقی مانده بود نشانه سوم بود. من منتظر حل مشکل خود بودم که آن مشکل هم به این ترتیب حل شد:

همگی نشسته بودیم ناگاه عده‌ای از شیعیان قم وارد شدند و سراغ امام حسن عسکری علیه السلام را گرفتند. وقتی از جریان رحلت امام علیه السلام آگاه شدند بسیار متأثر و ناراحت شدند و پرسیدند: پس وظیفه ما چیست؟ و به چه کسی باید مراجعه کنیم. عده‌ای جعفر را نشان دادند. اینان به او سلام گفتند و تسلیت دادند سپس اظهار نمودند که همراه ما نامه و اموالی هست لطفاً بفرمایید نامه‌ها از کیست؟ و مقدار پول چقدر است؟ جعفر بلند شد و در حالی که لباس‌های خود را تکان می‌داد از مجلس خارج شد و با خود می‌گفت: مردم از ما غیب هم مطالبه می‌کنند!

در آن لحظات حساس من از طرف امام عصر علیه السلام که در عین خردسالی ردای زیبای امامت بر تن داشت اسامی نویسندگان نامه و مبلغ پولی که در میان همیان بود به آنان گفتم. امام علیه السلام افزودند که جمعاً هزار دینار اشرفی است که ده دینار آن پوچ و بی اعتبار است؛ اینان

گفتند: به درستی که آن آقایی که تو را مأمور کرده است امام و پیشوای ما هم اوست.^۱

با این شیوه امام عسکری علیه السلام علی رغم کنترل و ستم شدید حکومت عباسی توانستند جماعت بی پناه شیعه را در مسیر اعتقاد به مهدویت رهنمون باشند و با پیش آوردن چنین برخوردها و صحنه‌هایی در حضور خواص و معتمدین زمینه پذیرش و یقین به وجود و حضور و حیات و امامت تنها فرزند خویش حضرت مهدی علیه السلام را فراهم آورند.

آغاز یتیمی

بر اساس شواهد تاریخی، امام عسکری علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوار خویش (امام هادی علیه السلام)، در سن ۲۲ سالگی بر مسند بلند امامت تکیه زدند و پس از ۶ سال امامت به وسیله معتصم عباسی، خلیفه وقت مسموم گردیده و در بستر بیماری افتادند.^۱

معتد پیش از شهادت امام علیه السلام به عباسیین سفارش می کرد که بر امام علیه السلام سخت بگیرند، و خود نیز چندین بار امام علیه السلام را در زندان حبس نمود و با قرار دادن امام علیه السلام در محله «عسکر» که یک منطقه نظامی بود برای آن بزرگوار محدودیت‌هایی ایجاد کرد.

بالاخره آن امام همام، هنگام نماز صبح روز جمعه هشتم ربیع الاول ۱۲۶۰ پس از آن که نور دیده‌شان امام عصر علیه السلام ایشان را وضو دادند، به فیض عظیم شهادت نائل آمدند.^۲

۱. بنابر قولی شهادت آن بزرگوار نیز در همین روز بوده است. (مصباح کفعمی، ص ۵۲۳)
۲. در شبی که فردای آن روز به شهادت رسیدند نامه‌های زیادی به مردم مدینه نوشته بودند.

امام عصر علیه السلام تنها فرزند امام علیه السلام در حالی که کودکی گندمگون، پیچیده موی، گشاده دندان و همچون پاره ماه بود و بیش از پنج بهار از عمر شریفش نمی گذشت در فقدان پدر سوگوار گردیده و کسوت وصایت پدر و امامت شیعیان را بر تن نمود.

و بدین گونه از روز نهم ربیع الاول ۱۲۶۰ ه. ق با رحلت امام یازدهم علیه السلام امامت آخرین حجت بر حق خدا بر روی زمین و منجی عالم بشریت حضرت بقیه الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین له الفداء - آغاز گشت.^۱

۱. شیعیان با توجه به روایات و احادیث رسیده از معصومین علیهم السلام این روز را که با هلاکت قاتل بی بی دو عالم حضرت صدیقه کبری علیها السلام نیز مقارن است، روز شادی و شادمانی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دانسته به جشن و سرور می نشینند، و بر امامت حضرت صاحب الامر علیه السلام خدای را سپاس گفته و بر قاتل بی رحم و شقی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هم نوا با خود آن حضرت لعن و نفرین ابدی تثار می نمایند.

ودیعہ امامت
در سنین صباوت

خداوند سبحان اراده فرموده بود که ودایع منصب بزرگ زعامت امت و جایگاه والای امامت را در آخرالزمان به کودکی یتیم که بیش از چهار و نیم بهار از عمر شریفش نمی‌گذشت بسپارد.

این کودک خردسال تنها فرزند امام عسکری علیه السلام بود که در عین کم سن و سالی واجد همه فضایل پدران گرامی و اجداد طاهرینش علیهم السلام از علم، قدرت، عصمت، معرفت، و سایر منقبت‌ها بود.

اما این که چگونه ممکن است کودک خردسالی در سنین صباوت عهده‌دار منصب پر ارج و مهمی چون امامت گردد پاسخی دارد و آن، این است که خداوند بر اساس حکمت و مصلحت خویش ذوات مقدس معصومین علیهم السلام را با بخشیدن علم لدنی و ودایع خاص، از سایر خلق خویش مستثنی نموده و پیش از این نیز کسوت زیبای امامت را بر قامت دو امام دیگر در سنین کودکی پوشانده^۱ و این سنت را درباره

۱. امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام در حدود ۸ سالگی.

برخی از انبیای سلف نیز معمول داشته است. قرآن کریم از دو پیامبر یاد می‌کند که در سن صباوت و خردسالی و روزگار کودکی و کم‌سن و سالی دارای مقام نبوت و حکم الهی بوده‌اند. یکی یحیی بن زکریا و دیگری عیسی بن مریم علیهما السلام:

﴿ يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ۱﴾

ای یحیی! با قدرت و توان، کتاب را بگیر، و ما حکم [نبوت] را در صباوت و خردسالی به او بخشیدیم.

و چون بنی اسرائیل از مریم که فرزندش بدون داشتن پدر به دنیا آمده بود پرسیدند، او به عیسی اشاره کرد. آنان گفتند: ما چگونه با کودک میان گهواره سخن بگوییم؟ در این هنگام ناگهان نوزاد آرمیده در میان مهد چنین گفت:

﴿ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا ۲﴾

در احادیث رسیده از خاندان رسالت در زمینه امامت در خردسالی، به این آیات نیز تمسک شده است.

علی بن اسباط گوید: چون خدمت حضرت جواد علیه السلام رسیدم و حضرت به طرف من آمدند، با دقت سر تا قدم حضرت را نگاه کردم تا برای شیعیان مصر تعریف کنم. چون امام جواد علیه السلام نخستین امامی بودند که در سن طفولیت به مقام امامت رسیده بودند. در این میان

۱. سوره مریم، آیه ۱۲

۲. سوره مریم، آیه ۳۰

حضرت نشستند و فرمودند: ای علی، همانا خداوند در امامت، اقامه حجت و برهان نموده نظیر همان چیزی که در نبوت اقامه کرده و فرموده است:

﴿ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ﴾^۱.

﴿ وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ اسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا ﴾^۲.

حکمت الهی

مقام نبوت و امامت ممکن است در سنین خردسالی به کسی افاضه شود و ممکن است در چهل سالگی به کسی موهبت گردد.^۳ از حضرت ثامن الائمه علیه السلام نقل شده است که در برابر شگفتی و تعجب مردم از مقام امامت حضرت جواد علیه السلام در خردسالی فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی عیسی بن مریم را رسول و پیغمبر و صاحب شریعت تازه قرار داد در سن و سالی کوچکتر از ابو جعفر، جواد الائمه علیه السلام. هنگامی که مردم به جهت احترامات بسیار علی بن جعفر^۴ - عموی حضرت رضا علیه السلام - نسبت به حضرت جواد الائمه علیه السلام در آن سن کم زبان

۱. سورة احقاف، آیه ۱۵

۲. سورة قصص، آیه ۱۴

۳. بحرینی، آقا سید مجتبی، حدیث غیبت و سفارت، ص ۵۴؛ به نقل از تفسیر نورالشقلین، ج ۳، ص ۲۲۵

۴. حدیث غیبت و سفارت، ص ۵۴؛ به نقل از اصول کافی، کتاب الحجة، باب الاشارة والنص علی ابی جعفر الثانی، حدیث ۱۳

به اعتراض گشودند، علی بن جعفر گفت:

خاموش باشید اگر خداوند سبحان این محاسن سفید مرا شایسته امامت ندانسته و این نوجوان را اهل آن قرار داده و او را در جایگاه رفیع امامت نهاده است، من فضل او را انکار کنم؟ و به خاطر کم سن و سالی پذیرای فرمانش نباشم؟ هرگز چنین نکنم و از آنچه می‌گویید به خدا پناه می‌برم بلکه خود را عبد او و مطیع فرمان او می‌دانم.^۱

در این زمینه سخنی زیبا و شیوا از خود امام نهم حضرت جواد الائمه علیه السلام رسیده است.

شخصی به حضرتش عرض کرد:

شیعیان شما ادعا می‌کنند که شما وزن همهٔ آبی که در دجله است می‌دانید. [این سخن را وقتی که حضرتش کنار دجله بودند گفتند.] امام جواد علیه السلام در پاسخ او فرمودند:

آیا خداوند قادر است که این علم را به پشه‌ای ارزانی دارد یا نه؟ گفت: آری قدرت دارد. فرمود: من نزد خدا از پشه و از بیشتر خلقش گرامی‌تر هستم.^۲

بنابراین سپردن ودایع امامت به کودک خردسال با پذیرش قدرت الهی و غیر اکتسابی بودن علوم انبیا و امامان و شایستگی‌های این مقام، امری عجیب و دور از ذهن نیست. چنانچه خداوند در مورد انتخاب

۱. همان، حدیث ۱۲

۲. انوار البهیه، ص ۱۳۱

پیامبر در قرآن کریم به این نکته اشاره فرموده است:

﴿ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ۗ ۱﴾

خدا می داند که جایگاه رسالتش را کجا قرار دهد.

تشخیص و انتخاب اصلح برای مقام وصایت و جانشینی پیامبر ﷺ

یعنی مقام والای امامت نیز در ید قدرت و حکمت الهی است.

گونه‌های غیبت و
نگاهی گذرا به روزگار هجران

گونه‌های غیبت (دوران فراق و محرومیت امت از امام علیه السلام)

بر امام عصر علیه السلام دو غیبت مقدر شده بود یکی کوتاه مدت (صغری) و دیگری دراز مدت (کبری).

غیبت صغری از آغاز امامت آن حضرت، سال ۲۶۰ هـ. ق شروع شد و حدود ۶۹ سال یعنی تا سال ۳۲۹ ادامه یافت و پس از آن غیبت کبری آغاز گردید که تاکنون ادامه دارد.

نگاهی گذرا به روزگار هجران

در زمان غیبت صغری که وجود مقدس امام علیه السلام به اقتضای حکمت الهی از انظار پنهان بود چهار انسان مؤمن و شیعهٔ مخلص، معتمد، شریف و امین به نام‌های عثمان بن سعید عمروی، محمد بن عثمان عمروی، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سیمری که به «نواب اربعه» مشهورند، رابط میان خلق و امام علیه السلام بودند.

اینان پرسش‌ها و مشکلات مردم را با امام عصر علیه السلام در میان می‌گذاشتند و سپس پاسخ‌ها را به پرسشگران می‌رساندند. پس از این

دوران کوتاه با فوت آخرین نایب خاص (۳۲۹ ه. ق) ارتباط مردم از طریق سفیران امام علیه السلام با آن حضرت به تمامی قطع شد. ابرهای غیبت تیره تر گردید، دوران غیبت کبری آغاز شد و زعامت مردم به نواب عام امام علیه السلام (فقها و مجتهدین جامع الشرائط)^۱ واگذار شد. و بدین سان خلق خدا با محرومیت از دیدار ظاهری امام علیه السلام و برخورداری از زعامت معنوی آن حضرت به آزمونی دراز و دیرپا دچار گردیدند. خود حضرت مهدی علیه السلام چگونگی بهره‌مندی از وجود شریفشان در روزگار غیبت را به خورشیدِ پس ابر تشبیه نموده‌اند.^۲

۱. امام حسن عسکری علیه السلام؛ و اما من کان من الفقهاء حافظا لدینه صائنا لنفسه مخالفا علی هواه، مطیعا لامر مولاه فللعوام أن یقلدوه آنگاه که در میان عالمان به علم دین [فقیهی] نگهدارنده دین، خویشتن‌دار، مخالف هوای نفس و مطیع مولایش (امام معصوم علیه السلام) یافتید بر توده مردم است که از او پیروی کنند. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۸۸؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳

علل و چگونگی غیبت

ماه گردون بر وجود تو تأسی می‌کند بعد پاسی غیبتش، از نو تجلی می‌کند
سبب و حکمت اصلی غیبت را جز پرودگار حکیم نمی‌داند، اما تا
آن حدّ که در روایات معصومین و گفتار بزرگان دین بیان گردیده است
به وجوه زیر می‌توان اشاره نمود:

- آزمون خلق
- آمادگی مردم و جوامع بشری
- قدرتانی وجود گهرهای پاک الهی
- فراهم آمدن یاران
- تقدیر و حکمت الهی
- آزادی از بیعت حکام ظالم
- حفظ امام علیه السلام از شر دشمنان

* آزمون خلق

خداوند حکیم بنای زندگی و حیات آدمی را بر آزمایش و امتحان

قرار داده است،^۱ و در مسیر آفرینش او برای رسیدنش به اوج قله‌های تعالی و کمال، همواره او را در معرض آزمایش‌های گوناگونی چون تحمل رنج و سختی، ترس، گرسنگی، از دست دادن ثروت، فرزند و...^۲ قرار داده، و در این میان دشوارترین آزمون‌ها را پیش روی سفیران و پیام‌آوران خویش نهاده است.^۳

تاریخ گواه است که آزمودن سفیران الهی و امت‌های گوناگون، سنت جاری در همه روزگاران بوده است. بر این اساس امت آخرین پیامبر نیز از این قانون و نظام کلی مستثنی نیست، آنان در شرایط گوناگون از جمله غیبت امام و حجت آخرینشان در بوته آزمایش قرار گرفته‌اند. آنان که از این آزمون سخت و دیرپا سرافراز بیرون آیند و بر ایمان خویش به امامشان پایدار بمانند و منتظری راستین باشند، همچون آنانند که در رکاب رسول خدا ﷺ کارزار نموده باشند و پاداش انتظار بر غیبت امامشان، بهشت برین خواهد بود.^۴ و کسانی که دستخوش فتنه‌های آخرالزمان شده و در گرداب فساد غوطه‌ور شوند، نگون بخت می‌شوند، عاقبتی ناخوش در انتظارشان خواهد بود، و سرانجامی جز دوزخ نخواهند داشت.

۱. ﴿ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴾. (سوره ملک، آیه ۱)

۲. ﴿ وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ ﴾. (سوره بقره، آیه ۵۵)

۳. اشاره به ماجرای (حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام)

۴. کمال‌الدین، ص ۳۱۷

* آمادگی مردم و جوامع بشری

طبیعت آدمی چنین است که می‌بایست خواسته‌هایش زمانی اجابت گردد که کاملاً نسبت به آنها احساس نیاز کند، و فقط در این حالت است که با اشتیاق پذیرای نیازش خواهد بود. در غیر این صورت عکس‌العملی جز بی‌تفاوتی و سردی نخواهد داشت. به مثال زیر توجه فرمایید:

هنگامی که میان دو نفر مشاجره‌ای پیش می‌آید چنانچه خدای ناخواسته به نزاع تن به تن بیانجامد در ابتدا هر یک از طرفین در نهایت عصبانیت و شدت قوت می‌کوشد که بر طرف دیگر غلبه پیدا کند. اگر در این هنگام که لحظات اولیه منازعه است فردی بخواهد میانجیگری نماید، اقدامش کم اثر یا بی اثر بوده چه بسا خود نیز مورد گزند و آسیب قرار گیرد.

اما پس از مدتی کشمکش و تضعیف نیروی طرفین هر یک ملتمسانه به سویی می‌نگرند و با نگاه خویش واسطه‌ای می‌طلبند که آنان را به صلح و آرامش دعوت نماید. در چنین موقعیتی میانجیگری عملی است سودمند و تأثیرپذیر. جوامع بشری نیز این چنین‌اند.

آنان تا زمانی که از نزاع، درگیری، آتش‌افروزی و فتنه‌انگیزی به ستوه نیامده و به خاک ذلت و مذلت نشینند از مصلحی الهی که هدفی جز نجات بشریت ندارد غافلند؛ اما آنگاه که نیروهایشان رو به ضعف رفت، و نقشه‌هایشان نقش بر آب گردید و همه آرمان‌های صلح‌جویانه آنها به بن‌بست کامل رسید و به نهایت استیصال و بیچارگی رسیدند

آنگاه از سویدای دل و از اعماق جان فریادرسی را می خوانند که قدرت، سیطره و عظمت او برای برقراری آرامش و صلح جهانی و امنیت همگانی برتر از همه افراد بشر باشد.

قیامش برای کشور گشایی و ارضای هواهای نفسانی نیست. اهدافش الهی است و انگیزه‌های جز نجات انسان و تحقق انسانیت ندارد. در چنین هنگامه‌ای که بشریت آماده پذیرش حکومت جهانی است آن ابر مرد الهی ظاهر خواهد شد. ظلم و فساد و بی عدالتی را ریشه کن نموده و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

* قدردانی گهرهای پاک الهی

هر محقق مخلص و هر انسان منصفی، اگر با نگاهی منصفانه صحنه‌های تاریخ بشری را مرور نماید و روزگار انبیا و دوران امامان معصوم شیعه را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد درمی یابد که ائمه هدی علیهم السلام و قبل از آن پیامبران خدا انسان‌هایی شریف، پاک، بی توقع، ایثارگر و مخلص بوده‌اند که هدفی جز هدایت، تربیت و نجات انسان ندارند، و برای رسیدن به اهداف مقدس خویش نه تنها از همه چیز که از جان خویش نیز گذشته‌اند. در عین حال این پاک نهادان روشن ضمیر بارها و بارها از سوی امت خویش مورد اذیت، آزار و استهزا قرار گرفته و حتی به مرگ تهدید شده‌اند.

سنت و مشیت پروردگار نیز در گذشته ایام چنین بوده است که هرگاه امتی ظلم، تعدی، فتنه‌انگیزی، فساد و مخالفت با سعادت و

نجات و بی حرمتی به ساحت مقدس سفیران و برگزیدگان و اولیای الهی را از حد می گذرانده اند خداوند با فرستادن بلا یا عذاب امت را تأدیب می کرده و به سزای عملشان می رسانده است.

اما امت آخرالزمان را به حرمت پیامبر آخرین، که اشرف انبیا و مرسلین و «رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ» است از عذاب مستثنی فرموده و با وجود بدعهدی بدنهادان، ناهلان و نابکاران این امت که بیشترین بی مهری و جفا و بدترین ظلم‌ها و بیشترین اذیت‌ها را نسبت به پیامبر و آل طاهرینش علیهم‌السلام روا داشتند، و همچنین ذوات مقدسی را که خداوند مستقیماً تقدیس و تکریم فرموده مسموم یا شهید نمودند، باز هم در معرض عذاب و خشم خویش قرار نداده و از برکت وجود حجت حی و زنده خویش آنان را از نعمت زندگی برخوردار نموده و فقط از دیدار ظاهری امامشان محروم نموده است. که البته محرومیتی است بس بزرگ و فاجعه‌ای است بس عظیم.

به مثال زیر توجه فرمایید:

هرگاه در محله‌ای از شهر افرادی ناباب و ناخلف به شکستن چراغ‌های نورانی متعدد در فاصله‌ای کوتاه مبادرت ورزند مسئولین مربوط نسبت به جایگزینی آنها برای یک بار، دو بار، سه بار و چندین بار اقدام می نمایند. اما آنگاه که چندین چراغ نورانی را شکستند، این اقدام نشان از بی لیاقتی و بی توجهی این گروه از مردم و ناسپاسی آنها دارد بنابراین سزای اینان و همه آنهاست که چنین فرزندان ناخلفی تربیت نموده‌اند و نیز همه آنها که به زیستن با چنین افرادی در چنین محله‌ای

تن داده و همه کسانی که به چنین کارهای خلافی راضی و یانست به آن بی تفاوت بوده‌اند این است که برای مدتی طولانی از مزایای نور و راهیابی بی بهره باشند، و در تاریکی به سر ببرند. راه را از چاه باز شناسند و در این مسیر سراسر ظلمت بارها و بارها بر زمین افتند و آسیب ببینند تا این که بالاخره قدر نور و روشنایی را بدانند و بشناسند. از این روست که پیشوای هفتم شیعیان در پاسخ برادر بزرگوارشان علی بن جعفر که از تفسیر آیه شریفه: ﴿ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴾^۱ سؤال فرموده می‌فرمایند: منظور هنگامی است که امامتان از دیدگان شما ناپدید شود و نتوانید او را ببینید؛ آنگاه چه خواهید کرد؟

آری هرگاه عطش نادانی، بی‌کسی، رنج غربت، یتیمی، اضطراب و بی‌چارگی بر امت آخرالزمان غلبه نمود و آنها را در پرتگاه سقوط و بدبختی قرار داد تا آن جا که خود را در معرض نابودی و فنا یافتند و به اضطراب و ضعف خویش واقف و معترف گشتند و خالصانه و از سویدای جان منجی خویش را خواندند، پروردگار متعال به منجی خویش مهدی آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ اذن ظهور خواهد داد و او همچون آبی گوارا تشنگان دانش و فضیلت و شیفتگان تقوا و عدالت را سیراب فرموده آنان را به سعادت و نجات دنیوی و اخروی می‌رساند. در این حالت همگان قدر دان و جود نازینش خواهند بود.

۱. سوره ملک، آیه ۳۰: «اگر صبح کنید و ببینید آبتان (آبی که به آن امید داشته‌اید) فروکش نموده چه کسی برای شما آب گوارا خواهد آورد».

* فراهم آمدن یاران

یکی دیگر از سبب‌های غیبت حجت خدا فراهم آمدن یارانی است مخلص، صدیق، غیور، شجاع و باوفا، همچون یاران حضرت اباعبدالله علیه السلام. مردانی که در روزگار ما بسیار کم و نادرند و می‌بایست با همت منتظرین راستین، و عشاق دل‌سوخته در طول زمان تربیت شوند و برای رزم‌آوری در رکاب حضرت مهدی علیه السلام آماده شوند. اینان کسانی خواهند بود که در گردونهٔ زمان و در بوته‌های آزمون بارها و بارها آزمایش شده و به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام^۱ چندین بار غربال شده و از افراد ناخالص جدا می‌شوند.

* تقدیر و حکمت الهی

سرّ اصلی و رمز قطعی غیبت امام زمان علیه السلام را هیچ کس جز پروردگار علیم و حکیم نمی‌داند. بندگان خدا می‌بایست به رضای الهی راضی باشند و تقدیر و مشیت ذات اقدس او را، برخواست و نظر خویش رجحان دهند. و در عین حال حسب وظیفه برای کوتاه شدن دوران فراق و فرج صاحب خویش صبح و شام دعا کنند.

۱. و لتغربن غربلة حتی يعود اسفلکم اعلاکم، و اعلاکم اسفلکم (غیبت نعمانی، ص ۲۰۲)
«و آنچنان غربال می‌شوید که پایین‌ترین شما به بالاترین، و بالاترین شما به پایین‌ترین مکان بازمی‌گردید.»

* آزادی از بیعت حکام ظالم

به حسب اراده پروردگار و مشیت خدای رحمان مهدی آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از بیعت تمامی حکام ظلم و جور رهاست، بدین جهت تا زمانی که همه را در روزگار ظهورش به بیعت خویش فراخواند در پرده غیبت خواهد بود، تا به بیعت هیچ کس تن ندهد.

* حفظ امام عَلَيْهِ السَّلَام از شر دشمنان

از آن جا که خدای متعال امور جهان را با اسباب و وسایل مربوط به آن به انجام می‌رساند و تا قبل از ظهور خطر نابودی از سوی دشمنان و بدخواهان وجود مقدس امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام را تهدید می‌کند آن امام همام در وادی غیبت سُکنی گزیده تا از شر ستمگران و درّخیمان ایمن باشد.

شیوه زندگی در ایام غیبت
و مکان‌های احتمالی حضور

شیوه زندگی در ایام غیبت

اگر چه آن وجود مقدس ظاهراً از انظار پنهان است لکن در میان مردم زندگی می‌کند، در مجالس آنان شرکت می‌فرماید، بر فرش‌های آنان قدم می‌گذارد، مردم را می‌بیند و می‌شناسد، و از سر لطف و شفقت به آنها نظر می‌نماید. مردم نیز ایشان را می‌بینند اما نمی‌شناسند.^۱ به سخنی دیگر غیبت امام علیه السلام عدم ظهور است نه حضور.

مکان‌های احتمالی حضور

- پیشاپیش حجاج بیت‌الله در مسجدالحرام و در موسم حج به عنوان «امیر الحجاج»

- ظهر تا شامگاه روز عرفه صحرای عرفات در مکه معظمه

- مدینه منوره، حرم جد بزرگوارش نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم،

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: بر فرش‌های مردم قدم می‌گذارد، در مجالس آنها شرکت می‌نماید، مردم را می‌بیند و مردم نیز او را می‌بینند اما نمی‌شناسند، به آنها از سر لطف و شفقت نظر می‌کند. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۲؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۱۴۴)

- قبرستان بقیع مدفن اجداد طاهرینش علیهم السلام
- حرم امامان علیهم السلام (روضه‌های مبارک و نورانی اجداد پاکش: کربلا، سامرا، نجف، کاظمین و مشهد الرضا علیه السلام)
- وادی السلام، مسجد کوفه، مسجد سهله و ...
- هر مجلسی که ذکر مصیبت مادرِ پهلو شکسته و آزرده بازویش فاطمه زهرا علیها السلام و جد غریب و شهیدش حسین علیه السلام به میان آید
- دل‌های عشاق و خلوتگاه دلسوختگان و محبتین
- هر جا عاشق دل سوخته و مضطرّ، خالصانه و از سویدای دل او را بخواند و دست استمداد و فریادرسی به سوی وجود مقدسش دراز کند.

حسرت دیدار

چرا به طور واضح و شناسا
حضرت را ملاقات نمی‌کنیم؟

همه جانم به تماشاگه زیبایی تو خاطرم رفته در ایام شناسایی تو^۱
این که چه سبب‌هایی موجب می‌شود تا نتوانیم چهره به چهره،
حضرتش را ملاقات نموده و ایشان را بشناسیم دلایل گوناگونی دارد که
به چند مورد اشاره می‌کنیم.

۱ - عدم سنخیت و شباهت

هرگاه میان ملاقات کننده و ملاقات شونده سنخیت و تناسبی باشد زمینه
دیدار فراهم می‌گردد در غیر این صورت ملاقات امری دشوار و بعید می‌گردد.
سنخیت در حقیقت نوعی هم‌طرازی یا همراهی در گفتار، رفتار و
کردار است. هر قدر عملکرد ما با خواسته‌های آن امام همام فاصله بیشتری
داشته باشد احتمال عدم دیدار و شناسایی بیشتر خواهد بود. و این
معنی همان مفهوم زیبا و دقیقی است که در کلمه «شیعه» نهفته است.

شیعه پیرو است، مطیع است گوش به فرمان امام علیه السلام دارد و رضایت و خواسته او را بر تمایلات خویش برتری می دهد. نمازش، هنگامی است که امامش آن را اقامه می کند، و روزه اش به گونه ای است که امامش می خواهد. در انجام فرایضی چون: حج، زکات، ادای حقوق شرعی، امر به معروف و ... به راهبرش تاسی می کند. در عبادات و طاعات شیوه او را در نظر دارد زندگیش به گونه ای است که او می پسندد. هرگاه چنین شد لازم نیست در پی پیشوایش بگردد. راهبر و پیشوای کریم، خودش از او سراغ خواهد گرفت.

از این روست که پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام امام عسکری علیه السلام خطاب به شیعیان و پیروان می فرمایند:

کونوا لنا زینا و لا تکنوا علینا شینا^۱

مایه زینت ما باشید نه آن که بر ما موجب زشتی و بدی باشید. (به گونه ای نباشید که ما را به شما شماتت کنند).

جدّ امجدشان حضرت صادق علیه السلام فرموده اند:

هر کس بخواهد که از یاران قائم علیه السلام شود باید منتظر باشد و با پرهیزگاری و خوی های پسندیده عمل کند.

وقتی درون و برون ما هر یک به گونه ای غرق در آلودگی و عصیان است، وقتی سراسر جسممان در اثر لقمه های شبهه ناک ملالت گرفته و رذایل اخلاقی روحمان را تحت تأثیر خود قرار داده است، میان ما و

وجود سراسر طهارت امام علیه السلام سنخیت و شباهتی نیست که حتی برای لحظه‌ای موجب درک حضور آن عزیز شود.

۲ - امام علیه السلام موجودی علوی

امام علیه السلام در عالم کائنات موجودی است علوی با صبغه الهی، که با علم، عصمت، قداست و قدرت یداللهی برای دستگیری بشر و راهیابی او به شاهراه هدایت شرع مقدس، از جانب پروردگار رحمان مأموریت یافته است. بدیهی است آنگاه که تمنایی نباشد و دستی به سویش دراز نشود و تمایلی به راهنمایی نباشد و گامی به سوی معرفت ذات مقدسش برداشته نشود فاصله ما - به عنوان موجودی پست و نیازمند - با آن قدیس عظیم، بیشتر و بیشتر گردیده وجود مقدسش را که از آفتاب روشن تر و از خود ما به ما نزدیکتر است احساس نخواهیم کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: امام، چون کعبه است^۱ که مردم باید به سوی او بروند و او به سوی کسی نمی رود. با وجود این از الطاف خفیه پروردگار به امت آخرالزمان این است که آخرین حجت خدا به پیش آمدن مردم اکتفا نمی کند، بلکه خود حضرتش به شیعیان سر می زند و بر سرشان دست لطف و محبت می کشد.

۳ - غفلت

این موضوع را بارها در زندگی آزموده‌ایم. آنگاه که تمام توجه ما به

۱. «مثل الامام مثل الكعبة إذ توتی ولا تأتي» کفایة الاثر، ص ۱۹۸

سوی موضوع یا هدفی متمرکز می‌شود از اطراف خود و حتی از خویشتن خویش غافل می‌شویم.

وقتی تمام همت ما امور دنیوی است و همه تلاش ما مصروف دنیا و زرق و برق‌های آن می‌شود، بدیهی است که در چنین حالتی از انگیزه و هدف آفرینش خویش، از سفر طولانی و پر خطر آخرت، از احوالات قبر و قیامت، از وظایف خود، و بیش از همه از پیشوا و رهبر خویش - و به سخنی بهتر - از پدر خویش غافل می‌شویم و این غفلت مهمترین سبب ناشناسایی است.

۴ - طهارت ظاهر و باطن

دیدار ولی خدا و سفیر برگزیده او در روزگار غیبت چشمی پاک، گوش‌آآماده، جسمی طاهر، روحی منزّه و قولی صادق می‌طلبد. واضح است چشمی که دریچه نگاه به هر جا و هر چیزی بوده، گوش‌آآماده که دروازه ورود هر آوازی بوده، زبانی که از همه کس و همه گونه مطالب به جز ولی خدا سخن گفته، دلی که جایگاه هر علقه و محبتی به جز محبت خدا و ولی خداست، نمی‌تواند حتی برای لحظه‌ای قرین آن وجود مقدس گردد.

و به خلاف آن، چشمی که از خوف پروردگار در سحرها گریسته و در عزای حسین علیه السلام و اجداد و فرزندان پاکش مروارید عشق به دامن ریخته و دلی که ناخالصی‌های خود را بیخته، آماده است تا در فرصت مقتضی ظرف عنایات امامش باشد.

دیر زیستی، چرا و چگونه؟!

چرایی دیرزیستی (عمر طولانی) را پیش‌تر با عنوان علل و اسباب غیبت مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم. اینک به تشریح برخی دلایل و عوامل طول عمر حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازیم تا کم و بیش گوشه‌ای از راز و رمزهای این امر عجیب، و در عین حال ممکن و قریب، روشن گردد. باشد که منتظر امر فرج را از شک و شبهه خارج نموده به آرامش دل و سکینه قلبی برساند، و برای صاحبان اندیشه و انصاف نیز قابل پذیرش باشد.

برای دستیابی به این دو هدف یعنی: رفع استبعاد ذهنی طول عمر، و توجیه چگونگی امکان آن، نیازمند توجه دقیق به چند نکته اساسی در این مورد می‌باشیم.

۱ - قیاس

از خصلت‌های آدمی این است که در بسیاری از امور و حوادث پیرامون خود خویشتن را محور و معیار قرار داده است و همه چیز و همه کس را با خود مقایسه نموده و نتیجه‌گیری می‌نماید. این انسان در

بسیاری از اوقات نظریه و یافته خود را تعمیم می دهد و انتظار پذیرش همگانی آن را نیز دارد.

شخصی را در نظر بگیرید که برای مدت محدودی در نقطه‌ای از زمین ساکن بوده و با افراد معدودی نشست و برخاست داشته است. آیا این فرد می تواند با مشاهده آداب، رسوم، خلیات و خصوصیات جمعیت اطراف خود نسبت به خصوصیات کل مردمی که روی گره زمین زندگی می کنند به داوری بنشیند و همه را از هر جهت مانند مردم اطراف خود بداند و ببیند؟! بدیهی است چنین قضاوتی عجولانه و به دور از واقعیت است، و قابل اعتنا نیست؛ چرا که ساکنین زمین در بسیاری جهات با یکدیگر تفاوت های آشکار و غیر قابل انکار دارند. به همین توجیه کسی که خودش در نقطه‌ای از زمین ساکن بوده که در آن جا متوسط عمر افراد حدود ۴۰ سال باشد، نمی تواند با قاطعیت بگوید که متوسط عمر همه مردم دنیا ۴۰ سال است. بی شک چنین قضاوتی جاهلانه خواهد بود.

بدیهی است همین شخص با چنین طرز برداشتی اگر بشنود که در نقطه‌ای دور از محل سکونت او انسان یا انسان هایی زندگی می کنند که متوسط عمرشان ۸۰ سال است متعجب خواهد شد و به عنوان امری عجیب و غیر عادی تلقی خواهد نمود.

۲ - حد و مرز

در مشاهدات روزانه خود می بینیم و یا می شنویم که تعداد زیادی از

مردم اعم از کودک، نوجوان، جوان و افراد سالمند، در سنین گوناگون از دنیا می‌روند. این بهترین و گویاترین دلیل است که عمر آدمی را حد و مرزی نیست. بنابراین عمر بیش از ۱۰۰-۲۰۰، حتی ۵۰۰ و ۱۰۰۰ سال گرچه موجب شگفتی است اما محال و غیر ممکن نیست.

۳- برخوردی عاقلانه و منصفانه

شایسته است انسانی که بینش و نگرشی محدود دارد و آگاهی‌هایش نسبت به گذشته و آینده به مواردی خاص و معین محدود می‌شود، از اظهار نظر کلی و ارائه نظریه‌های جامع‌نگر و کامل نسبت به همه چیز، همه جا و همه کس، آن هم با عمر محدود و ابزارهای محدودتری که دارد، پرهیزد. او به عنوان انسانی متفکر، منصف، عاقل، اندیشمند، فکور و فهیم آنچه را عجیب می‌پندارد و در حیطة فکر خویش نمی‌بیند باید در بوته امکان نهاده و با خیره‌سری دست رد بر آن‌ها نزند.

۴- نگرشی جامع

از دیدگاهی وسیع و بانگرشی جامع می‌توان کل امور جهان را به دو دسته «محال و ممکن» تقسیم نمود. در این مورد به طرح چند سؤال می‌پردازیم:

۱. آیا معجزات انبیا جزء امور محال و غیر ممکن است؟!
۲. آیا خداوند برای آن‌که حقانیت دین و پیامبر خویش را به مردم اثبات نماید امور محال را به عنوان اعجاز به ممکن تبدیل می‌نموده است؟!

۳. آیا شق القمر (دو نیم شدن ماه) که در زمان پیامبر ﷺ و به وسیله آن حضرت انجام شده است از امور محال نبوده اما در عین حال اتفاق افتاده است؟

۴. آیا تشکیل فرزند بدون وجود پدر امری محال است؟!

۵. آیا سخن گفتن طفل تازه به دنیا آمده در گاهواره از امور غیر ممکن است؟!

۶. آیا عمر یکهزار و چندین ساله نوح پیامبر از امور محال بوده است؟! و در نهایت:

* آیا قاتل شدن زندگی طولانی برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه امری دور از ذهن، و محال است؟!

در پاسخ می‌گوییم:

* اگر معجزات انبیا از جمله امور محال می‌بود هیچ‌گاه اتفاق نمی‌افتاد، زیرا امر خداوند بر محال تعلق نمی‌گیرد. قادر متعال که خود سازنده دستگاه آفرینش است، از آغاز خلقت بعضی امور را ممکن و برخی را محال قرار داده است؛ همچون قرار گرفتن کره زمین در پوست تخم مرغ (با حفظ اندازه و حجم هر یک) و نیز بازگشت طفل تولد یافته به رحم مادر (با شرایط عادی)، که از بدو خلقت از امور محال و غیر ممکن بوده و هست. * وقوع معجزات انبیا و امامان علیهم السلام خود نشانه بارز امکان آنهاست. چرا که اگر غیر ممکن بود به وقوع نمی‌پیوست.^۱

۱. بهترین دلیل بر امکان چیزی، وقوع آن است.

البته باید توجه داشت که کارهای خارق العاده انبیا و اولیای خدا که به قصد هدایت و ارأئه «بینه» و با قدرت الهی صورت می پذیرفته از امور عادی و جاری در بین مردم نبوده است و مردم آن زمانها از انجامش عاجز بوده اند. به همین دلیل به «معجزه» شهرت یافته است.

* شق القمر نیز که به درخواست عده ای از مردم و به وسیله رسول خدا ﷺ و با قدرت لایزال و بی مثال پروردگار متعال و مدبر، و به قصد هدایت مردم و تثبیت مقام نبوت حضرت ختمی مرتبت انجام پذیرفت اگر محال می بود یقیناً واقع نمی شد.

* تولد عیسی مسیح علیه السلام از حضرت مریم علیها السلام بدون وجود پدر نیز که با قدرت حضرت احدیت و موجد خلقت واقع شد از امور ممکن غیر عادی بود. که اتفاقاً محققین علوم امروزی به صورت نادر با موارد مشابه آن در عالم موجودات زنده (گیاهان، جانداران و ...) برخورد نموده و سرفصلی به نام «بکرزایی» یا «پارتنوروثز» را به علوم زیستی افزوده اند.

* سخن گفتن حضرت عیسی علیه السلام در گاهواره که قرآن کریم بازگو کننده حقیقت آن است و به جهت رفع اتهام از قدیسه پروردگار حضرت مریم علیها السلام و اثبات نبوت عیسی مسیح و به رخ کشیدن عظمت قدرت خالق متعال صورت پذیرفت اگر غیر ممکن بود واقع نمی شد.

* بیان قرآن کریم مبنی بر وجود عمرهای متجاوز از هزار سال و تأیید ضمنی آنها، نشانه رفع استبعاد ذهنی دیرزیستی بشر و امکان وجود آن در هر دوره ای از روزگار است.

با توجه به پرسش و پاسخهای فوق، درمی یابیم که قائل شدن عمر

دراز و زیست طولانی نه تنها امری عجیب و دور از ذهن نیست بلکه ادامه روندی است که در طول تاریخ بشر به شیوه‌های گوناگون برای معدودی از انسان‌ها اتفاق افتاده است. لذا عمر طولانی وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام نیز در ادامه همین سنت قرار دارد.

و اینک دلایلی دیگر و سخنانی دل نشین‌تر

۱- اصالت حیات

در برخوردهای اجتماعی هیچ‌گاه دلیل زنده بودن کسی را نمی‌پرسیم و همیشه از سبب مرگ سؤال می‌کنیم، همین مطلب دلیل روشنی است بر این که در مورد انسان، اصل بر حیات و زنده بودن است، و چون عمر آدمی را حدّ و مرزی نیست هر کس در هر سن و سالی بمیرد چرایی مرگش مورد پرسش است.

۲- اشتراک حیات

ملاحظه می‌شود که در برخی از کتب و نوشته‌ها برای توجیه و آشنا نمودن مردم با طول عمر امام عصر علیه السلام و رفع غیر ممکن دانستن آن، گاهی از گیاهان یا درختانی نام برده شده است که متجاوز از ۲۰۰۰ سال یا بیشتر عمر دارند. این بدان جهت است که در یک نگاه کلی، کل موجودات زنده در اصل حیات و زندگی و نیازهای حیاتی مشترکند. از دوام و بقای آثار حیات در گونه‌هایی از گیاهان، جانداران و یا... می‌توان دریافت که با پیش آمدن شرایط خاصی از زیست و با تکیه بر عواملی چون سلامت، تغذیه، آب و هوای مناسب، محیط مساعد و ...

می توان شاهد افزایش عمر در بسیاری از موجودات زنده بود.

۳- قدرت و حکمت خداوندی

حکیمی کین جهان پاینده دارد

تواند حجتش را زنده دارد

توجه به قدرت لایزال و بی مثال الهی و عنایت به این حقیقت که پروردگار متعال خالق همه هستی است، بیانگر این حقیقت است که هستی و بود همه کائنات و موجودیت همه موجودات در کف با کفایت قدرت اوست، و چرخش و گردش عالم، از صنوع و حکمت و مشیت اوست. لذا مرگ و حیات نیز در محدوده خواست و قدرت و اراده مطلق آن ذات حی و پاینده است. چنانکه مقدر فرموده به حکمت‌هایی که خودش بیش از هر کس بر آنها آگاه است.

او آخرین دُرّ ذخیره خزانة خویش، و آخرین وسیله پایداری زمین و آسمان را تا مدتی که خود اراده فرموده است زنده نگاه می‌دارد؛ و از او می‌خواهیم که وجود مقدسش را از بلیات و آفات حفظ فرماید. لذا کسی را نشاید که در امر خالق هستی تشکیک یا دخالت نماید.

بندگان خدا حسب وظیفه بندگی خویش می‌بایست مطیع پروردگار بوده و به مشیت و قضای او راضی باشد. آنان باید در جهت نجات از درد جانکاه هجران و رهایی خود از مصائب و سختی‌های یتیمی و رنج دوری از پدر، دائماً به درگاه خدا استغاثه نموده، تغییر مشیت الهی و کوتاهی روزگار فراق، و رسیدن دوران فراغ را خواستار باشند.

در سایه‌سار انتظار

انتظار در لغت به معنی «چشم به راهی» و «مراقب بودن» است و معمولاً زمانی این تعبیر به کار می‌رود که تغییر حالتی مطرح باشد، یعنی تبدیل و تغییر وضع موجود به شرایطی مناسب‌تر و بهتر.

مانند بیماری که در انتظار بهبودی است، یا فرزندی که در انتظار باز آمدن پدر از سفر است، یا مادری که چشم به راه فرزند است.

مسئله انتظار حکومت حق و عدل حضرت مهدی علیه السلام نیز بدین گونه است، یعنی حرکت و تلاش است برای خروج از رخوت و سستی، و رسیدن به آینده‌ای روشن و پویا و چشم‌اندازی زیبا.

مفهوم چنین انتظاری نه تنها دست روی دست گذاشتن، و به امید انجام اصلاحات توسط مصلح کل نشستن نیست بلکه «منتظر» را وامی‌دارد تا در جهت ایجاد زمینه‌های استقرار صلح بکوشد و از هر گونه رخوت و سستی پرهیزد. و زندگی خویش را چنان قرار دهد که در راستای اهداف آن منجی و مصلح باشد.

با این توضیح می‌توان گفت: «انسان منتظر» انسانی است پر جنب و

جوش، با هدف، تلاشگر، امیدوار، تعالی جو، مهذب، متقی، حسابگر، دقیق و خودآگاه که در عین سوز و گداز دائمی، آرامش او در راه کسب رضایت و جلب عنایت و رضایت «منتظر» است.

از این روست که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: هر کس خواسته باشد از یاران قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - شود باید منتظر باشد و پرهیزگاری پیشه کند. پس هرگاه در حال انتظار بمیرد و قائم علیه السلام پس از مردنش به پاخیزد، پاداش او مانند کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد.^۱

و نیز همین امام همام در پاسخ کسی که گفت: چه می‌گویید درباره شخصی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حق را می‌برد و در همین حال می‌میرد؟! فرمودند: همانند کسی است که با رهبر این نهضت - امام عصر علیه السلام - و در خیمه او باشد. سپس اندکی سکوت کرده و فرمودند: مانند کسی است که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مبارزاتش همراه بوده است.

همچنین امام جواد علیه السلام می‌فرمایند: برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است^۲ کسی که این امر را بشناسد به وسیله انتظار فرج برای او گشایش حاصل می‌شود.^۳

از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نقل شده که فرمودند: منتظر فرج باشید و از

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷

۳. یاد مهدی علیه السلام، ص ۲۴۱ به نقل از یوم الخلاص

رحمت خدا ناامید نشوید به درستی که بهترین عمل نزد خداوند عزوجل انتظار فرج است.

بدیهی است این ارج و مقام در کلام معصوم، و این گونه توصیف از انتظار فرج، با هر گونه تقاعد، رخوت، کسالت، بی‌مسئولیتی و سکون و سکوت منافات دارد. چنان‌که از سایر فرموده‌های این بزرگواران برمی‌آید: مسلمان منتظر انسانی است سرزنده، با نشاط، آینده‌نگر، امیدوار و مسئولیت‌پذیر که با انجام اقدامات ذیل به عنوان میزبانی آگاه زمینه را برای میهمان عزیز خویش (مصلح جهانی) آماده می‌کند.

۱. خود سازی فردی

در گرو بالا بردن سطح اندیشه و فکر، و پرهیز از کوتاه‌بینی، کج فکری، حسادت، تفرقه، اختلافات کودکانه و نابخردانه و عدم وابستگی به دنیا و مظاهر دنیوی و عمل به دستورات جامع‌نگر و انسان‌سازِ شرع مقدس اسلام است.

۲. یاری‌رسانی و یاری‌خواهی

مسلمان منتظر با کمک جمع و با استفاده از تجربیات و آگاهی‌های مؤمنین خبیر، به صورت دسته‌جمعی دست به اقدامات و اصلاحات عمیق فکری و فرهنگی می‌زند. او با پی‌ریزی تفکرات صحیح و بینش‌های اصیل اسلامی جامعه را برای پذیرش منتظر آماده ساخته و نسبت به تربیت دل‌دادگانی دلسوخته و شیفتگان و منتظرینی راستین، همت می‌گمارد.

۳. پایداری و امید

انسان منتظر و معتقد، به اعتقادات اصیل خویش پایبند است و با اتکا به پروردگار و با توجه به ایمان راسخ و عقیده درستی که دارد هیچ‌گاه در مفسده‌های اجتماعی غرق نمی‌شود. او در جهت روی‌آوری مردم به اصلاحات و نیکی‌ها هماره در تلاش است. در این مسیر تنها عاملی که می‌تواند به پویندگی او کمک نماید امید به اصلاح نهایی توسط مصلح جهانی است.

۴. پی‌گیری هدف

تلاشگر منتظر در راه رسیدن و رساندن به اهداف و نیت‌های مقدس «امام منتظر» برای تحمل هر گونه سختی و دشواری آماده است و هیچ‌گاه طعنه‌ها، تهمت‌ها و سنگ‌اندازی‌های تفرقه افکنان و دشمنان، او را از وصول به هدف مأیوس و منصرف نمی‌کند بلکه به مقتضای:

وعده وصل چون شود نزدیک

آتش عشق تیزتر گردد

باروری نهال اهداف مقدس خویش را نزدیک می‌بیند، و برای بهره‌وری بیشتر و سریع‌تر جامعه از میوه‌های صلح و عدل و آزادی که ثمره نهال استوار و تنومند انتظار است بیش از پیش تلاش می‌کند و به این تلاش عشق می‌ورزد. و با این ابیات دل‌شوریده خویش را آرامش می‌بخشد:

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد
غم مخور! آخر طبیب دردمندان خواهد آمد
آنقدر از کردگار خویشتن امیدوارم
که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد
باغبانان سختی دی ماه سی روز است و آخر
نوبهار و نغمه مرغ خوش الحان خواهد آمد
بلسبل شوریده دل را از خزان، برگ‌گونالد
باغ و صحرا سبز و این دنیا گلستان خواهد آمد
دردمندان، مستمندان، بی‌پناهان را بگویند
مصلح عالم، پناه بی‌پناهان خواهد آمد
از خدا روز فرج را ای فرج خواهان بخواهید
کاین جهان روزی کسی را تحت فرمان خواهد آمد
نیست شک، از عمر این دنیا اگر یک روز ماند
ذات قائم حجت خلاق سبحان خواهد آمد
صبر کن یا فاطمه علیها السلام، ای بانوی پهلو شکسته
قائم با شیشه دارو و درمان خواهد آمد

آری چنین بینش و برداشتی از انتظار، چراغ امید را همیشه در دل‌ها
روشن می‌دارد و آدمی را به فردایی روشن و تابناک نوید می‌دهد، و
یأس و واماندگی را نیز از صحنه زندگی می‌زداید.

مهدی علیه السلام در نگاه معصومین علیهم السلام

در این فصل به تعداد بسیار اندک از احادیث فراوانی که از معصومین علیهم السلام نقل شده است اکتفا می‌نماییم.

نبی اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله

المهدی من عترتی من ولد فاطمة

مهدی علیه السلام از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

سیده زنان عالم حضرت زهرا علیها السلام

و هذا اسماء الاوصياء اولهم ابن عمی و احد عشر من ولدی

آخرهم القائم

این‌ها اسامی اوصیا است که اول آنها پسر عموی من، و بعد از او

یازده تن از فرزندان من هستند و آخر آنها قائم است.^۱

پیشوای نخستین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

الحادی عشر من ولدی هو المهدی یملؤها عدلا کما ملئت جورا و
ظلما تکنون له حیرة و غیبة یضل فیها اقوام و یهتدی فیها آخرون
او یازدهمین فرزند من است، او مهدی علیه السلام ماست که زمین را پر از
عدل و داد می‌کند همچنان که از جور و ستم پر شده باشد، برای او
دوران غیبت و سرگردانی است، در آن ایام گروه‌هایی از راه حق منحرف
می‌شوند و گروه‌هایی دیگر به شاهراه هدایت رهنمون می‌شوند.^۱

پیشوای دوم حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

طوبی لمن ادرك ایامه و سمع کلامه
خوشا به سعادت کسی که روزگار او را درک کند و به او امرش گوش
فرا دهد.^۲

پیشوای سوم حضرت حسین بن علی علیه السلام

اما ان الصابر فی غیبه علی الاذی و التکذیب بمنزلة المجاهد
بالسيف بین یدی رسول الله
کسی که در زمان غیبت بر آزار و انکار دشمنان صبر کند همانند
کسی است که در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله جهاد کند.^۳

۱. کمال‌الدین، ص ۲۸۹

۲. یوم‌الخلاص، ص ۳۷۴

۳. کمال‌الدین، ص ۲۸۹

پیشوای چهارم حضرت زین العابدین علیه السلام

من ثبت علی مولاتنا فی غیبة قائمنا اعطاه الله اجر الف شهید مثل
شهداء بدر

هر کس در زمان غیبت قائم ما، در ولایت و محبت ما ثابت قدم بماند
خداوند به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر عنایت فرماید.^۱

پیشوای پنجم حضرت امام محمد باقر علیه السلام

تكون له حيرة و غيبة يضلّ فيها اقوام و يهتدى فيها اقوام فيا
طوبى لك ان ادركته و يا طوبى من ادركه

برای او [مهدی] دوران غیبتی است که گروهی در آن گمراه
می‌شوند و گروهی هدایت یابند. خوشا به حال تو اگر او را درک
کنی! خوشا به حال کسی که آن روز فرخنده را درک کند.^۲

پیشوای ششم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

والله لا امرنا أبين من هذه الشمس

به خدا سوگند امر ما [امر فرج] از این خورشید روشن‌تر است.^۳

۱. اعلام‌الوری، ص ۴۰۲

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۷

۳. کمال‌الدین، ص ۳۴۷

پیشوای هفتم حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام

یا بنی انما هی محنة من الله امتحن بها خلقه

پسرم! غیبت قائم، یک آزمون الهی است که به وسیله آن بندگان را
رامی آزماید.^۱

پیشوای هشتم حضرت امام رضا علیه السلام

ریان بن صلت از امام هشتم علیه السلام در مورد قائم می پرسد حضرت می فرماید:

لا یرى جسمه ولا یسمی اسمُهُ

جسم او از دیده ها ناپدید می شود و نام او برده نمی شود.^۲

پیشوای نهم حضرت جواد الانمه علیه السلام

أفضلُ أعمالِ شیعتنا انتظارُ الفرجِ

برترین اعمال شیعیان ما، انتظار فرج است.^۳

پیشوای دهم حضرت هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام به علی بن مهزیار فرمودند:

إذا غابَ صاحبُکم عن دارِ الظالمین فتوقعوا الفرج

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۰۴

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۸

هنگامی که صاحب شما از جایگاه ستمگران ناپدید شود منتظر
فرج باشید.^۱

پیشوای یازدهم امام عسکری علیه السلام

مهدی جان! فرزندم! چنان می بینم که زمان تأیید تو با امدادهای
غیبی نزدیک است... دوستان در دوستی تو صفا نشان می دهند... و
همچون دانه های دژ گرانها که در رشته ای قرار گیرند شمع وجودت را
احاطه کرده اند... کودکانی که در گهواره آرمیده اند آرزو می کنند کاش
می توانستند برخیزند و به سویت بشتابند.^۲

سخنی دیگر از مهربان پدر

وَاعْلَمَنَّ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ نَزَعٌ إِلَيْكَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِذَا
أَمَّتْ أَوْكَارَهَا

«پسرم! [مهدی جان!] دل های مردم دیندار و با اخلاص مانند
پرندگانی که شیفته آشیانه خود باشند، مشتاق لقای تو هستند.^۳

۱. کمال الدین، ص ۳۸۰

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵

مهدی علیه السلام در قرآن

علامه بزرگوار، مرحوم ملا محمدباقر مجلسی رحمته الله در تألیف گرانسنگ خود (بحار الانوار)، ۷۰ آیه را به استناد احادیث وارده از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در مورد ظهور یکتا بازمانده از حُجَج الهی نقل نموده است.^۱ و برخی از بزرگان کتاب‌هایی را در این موضوع به رشته تحریر درآورده‌اند که از آن جمله است:

الف. المحجة فيما نزل في القائم الحجة عليه السلام

شامل ۱۲۰ آیه از آیات تفسیر شده به ظهور حضرت مهدی عليه السلام به استناد احادیث وارده از معصومین علیهم السلام.^۲

ب. المهدي في القرآن

شامل ۱۱۰ آیه از آیات تأویل شده به ظهور حضرت «بقیة الله» به استناد احادیث وارده از طریق شیعه و سنی.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۴-۶۴

۲. تألیف محدث بزرگوار سید هاشم بحرانی، متوفی ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ ه.ق

۳. تألیف سید صادق شیرازی

ج. موعود قرآن

ترجمه فارسی «المهدی فی القرآن»

د. سیمای امام زمان علیه السلام در آینه قرآن

این کتاب شامل بیش از ۱۴۰ آیه از آیات قرآن کریم که در روایات فریقین (شیعه و سنی) به ظهور قبله موعود و کعبه مقصود تفسیر شده است.^۱ ما در این جا به جهت رعایت اختصار ۱۵ آیه از این آیات شریفه را نقل می نماییم.

۱- ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ

نَجْعَلَهُمْ آيَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾.^۲

ما اراده کردیم به آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند منت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

طبق روایات بسیار، این آیه در حق امام عصر علیه السلام نازل شده است که ایشان با قیام خویش بساط ظلم را درهم خواهند پیچید و پرچم عدالت را در جهان به اهتزاز در خواهند آورد.^۳

۲- ﴿ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾.^۴

ذخیره خدا بهتر است برای شما، اگر ایمان داشته باشید.

۱. تألیف علی اکبر مهدی پور

۲. سوره قصص، آیه ۵

۳. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۲۰؛ ینابیع المودة، ص ۴۵۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴

۴. سوره هود، آیه ۸۶

بر اساس روایات فراوانی که از معصومین علیهم السلام رسیده هنگامی که امام عصر علیه السلام ظهور می فرماید نخستین آیه‌ای که بر زبان می آورند این آیه شریفه است.^۱

۳- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾.^۲

او خدایی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق برانگیخت تا آن را بر همه ادیان پیروز بگرداند، اگر چه مشرکان نخواهند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند: مهدی علیه السلام ما ظهور می کند و دین مقدس اسلام را بر همه ادیان پیروز می گرداند، اگر چه دشمنان راضی نباشند.^۳

۴- ﴿إِغْلُظُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾.^۴

بدانید که خدا زمین را پس از مرگ آن زنده می سازد. به راستی نشانه‌های [قدرت] خدا را برای شما بیان کردیم، باشد که عقل خود را به کار بندید.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: مهدی علیه السلام ما قیام می کند و به وسیله گسترش عدالت در سراسر گیتی، جهان را زنده می کند، پس از آن که در زیر

۱. نورالابصار، ص ۱۷۲

۲. سوره صف، آیه ۸

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۰؛ المحجّة، ص ۲۲۷؛ ينابيع المودة، ص ۵۰۸

۴. سوره حدید، آیه ۱۷

کابوس ظلم و ستم مرده باشد.^۱

امام کاظم علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمودند:

خداوند زمین را به وسیله عدل و داد زنده می‌کند، نه بارش باران.^۲

۵- ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ

بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾.^۳

بگو اگر ببینید که آب شما [که به آن امید داشته‌اید] فروکش کند،

چه کسی برای شما آب گوارا باز آورد.

علی بن جعفر از برادر بزرگوارش امام موسی بن جعفر علیه السلام از تفسیر

این آیه می‌پرسد: امام علیه السلام می‌فرمایند: هنگامی که امامتان از دیدگان شما

ناپدید شود و نتوانید او را ببینید چه خواهید کرد.^۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به عمار می‌فرمایند:

ای عمار! خداوند با من عهد کرده است که از تبار حسین علیه السلام نه امام

پدید می‌آید که نهمی آنها از دیدگان ناپدید می‌شود و این است معنای

آیه شریفه: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا﴾، برای او یک غیبت

طولانی است که گروهی از عقیده خود برمی‌گردند و گروهی بر آن ثابت

می‌مانند. چون آخر الزمان فرارسد، او ظاهر می‌شود و دنیا را پُر از عدل

و داد می‌کند، چنانکه از جور و ستم پر شده است.^۵

۱. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۹۱

۲. همان

۳. سوره ملک، آیه ۳۰

۴. کمال‌الدین، ص ۳۶۰؛ غیبت نعمانی، ص ۹۲

۵. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۶۶

۶- ﴿ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ﴾^۱

هدایت است برای پرهیزگاران که به غیب ایمان آورند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایند: «پرهیزگاران» شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام هستند و اما «غیب» پس آن، حجت غائب است.^۲ جابر بن عبدالله انصاری در ضمن یک روایت طولانی که از دوازده پیشوای معصوم و قائم آنها بحث کرده، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمودند: خوشا به حال آنان که در زمان غیبت او شکیبایی پیشه کنند و بر محبت آنها استوار بمانند، که آنها را خداوند متعال در آیه ﴿ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ﴾ ستوده است.^۳

۷- ﴿ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا

عِبَادِي الصَّالِحُونَ ﴾^۴

گذشته از ذکر تورات در زبور نیز نوشتیم که به راستی زمین را بندگان شایسته ام به ارث می برند.

از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت شده که منظور از بندگان صالح در آیه شریفه، حضرت قائم علیه السلام و یاران ایشان می باشند.^۵

۸- ﴿ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً ﴾^۶

۱. سوره بقره، آیات ۲ و ۳

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲؛ کمال الدین، ص ۲۴۰

۳. المحجة، ص ۱۷

۴. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵

۵. عقد الدرر، ص ۲۱۷؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷

۶. سوره آل عمران، آیه ۸۳

و برای او (به وسیله او) هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه
و ناخواه - تسلیم او شده - بر او اسلام آورد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند: « هنگامی که قائم علیه السلام
قیام کند، نقطه‌ای در روی زمین نمی‌ماند جز این که مردم آن به یکتایی
خدا و رسالت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهند. ^۱

ابن بکیر می‌گوید: از ابوالحسن علیه السلام در مورد آیه ﴿ وَ لَهُ أَسْلَمَ ﴾
پرسیدم، فرمود: در حق قائم علیه السلام نازل شده است، هنگامی که ظاهر
شود اسلام را بر یهود، نصاری، صابئین، ملحدین، مرتدین و کافرین
شرق و غرب، عرضه می‌کند هر کس (پس از شناخت حقانیت اسلام)
از روی رغبت اسلام آورد، او را به نماز و زکات و دیگر وظایف
اسلامی امر می‌فرماید. و هر کس را نپذیرد گردن می‌زند تا در شرق و
غرب جهان احدی جز موحد باقی نباشد. ^۲

۹ - ﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
فِي الْأَرْضِ ، كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ﴾ . ^۳

خداوند آن‌هایی از شما که ایمان آورده، و عمل شایسته انجام
داده‌اند، و عده داده است که در روی زمین جانشین سازد، چنانکه
پیشینیان را جانشین ساخت. و آنان را به دینی که برای آن‌ها

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ ینابیع المودة، ص ۵۰۶

۲. همان

۳. سوره نور، آیه ۵۵

پسندیده، متمکن سازد و [قدرت دهد]، و آنگاه خوف و وحشت آنان را به امنیت برگرداند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند: «درباره قائم علیه السلام و یاران او نازل شده است.»

امام زین العابدین علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت نموده و فرمودند: «به خدا سوگند مقصود از آنها شیعیان ما اهل بیت هستند. خداوند آنها را به دست مردی از ما که «مهدی» این امت است جانشین قرار می دهد و متمکن می سازد و به امنیت می رساند.»^۱

نظیر این روایت از امام باقر و امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است.

۱۰ - ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا ﴾^۲

ای کسانی که ایمان آورده اید شکیبا باشید، بردبار باشید و مُرابط باشید.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایند: «برای انجام فرایض شکیبا، و در برابر دشمنان بردبار باشید، و با امام منتظر علیه السلام نیز در ارتباط باشید»^۳ (رابطه برقرار کنید).

امام زین العابدین و امام باقر علیه السلام می فرمایند: «این آیه در حق ما نازل شده است، ولی آن «مُرابط» بودن که به ما امر شده، هنوز تحقق نیافته است و «مُرابط» در تبار ما خواهد بود»^۴.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۱۳۶

۲. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۰۵؛ المحجة، ص ۵۲؛ اثبات الهداة، ج ۱، ص ۲۶۳

۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۵

تردیدی نیست که منظور از مرابط حضرت «بقیة الله» علیه السلام است. چنانکه خود آن بزرگوار در توفیق شریف خود خطاب به شیخ مفید می نویسد:

«مِنْ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرَابِطِ فِي سَبِيلِهِ» از بنده خدا که مرابط در راه اوست.^۱ در این عبارت امام علیه السلام از خود به عنوان «مرباط» تعبیر فرموده اند.

برای ارتباط قلبی با امام غایب راه های فراوان وجود دارد که از آن جمله است:

۱- خودسازی در پرتو انجام وظیفه

۲- انتظار سازنده، برای تشریف فرمایی آن یکتا رهبر

۳- نیایش دائم برای تعجیل در امر فرج

۴- صدقه دادن برای سلامتی آن سرور

این حقیر گوید: لازمه ارتباط (برقراری رابطه) سنخیت است. مسلمانی که هیچ عملی از اعمالش هم سو با امامش نیست و بسیاری از کارهایش مرضی خاطر آن وجود مبارک نباشد، سنخیتی با امام علیه السلام و روش و رفتار او ندارد که پی آمدش برقراری رابطه باشد. پس باید آن طور مقید به انجام واجبات و ترک محرمات شویم که آن عزیز می خواهد. به تأکیدات آن حضرت در انجام نافله، جامعه و عاشورا توجه نماییم تا اعمالمان با آن وجود مقدس شباهت پیدا کند. هرگاه چنین شد خود به خود رابطه قلبی بیش از پیش حاصل می شود و فرمایش امام باقر علیه السلام تحقق می یابد.

۱۱ - ﴿ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً ﴾^۱.

نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را به وفور بر شما فرو فرستاد.
حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند: «نعمت
ظاهری امام ظاهر، و نعمت باطنی امام غایب است که جسم او از دیده‌ها
غایب می‌شود. معدن‌های زیرزمینی برای او آشکار می‌گردد و راه‌های
دور برای او نزدیک می‌شود.»

۱۲ - ﴿ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ

جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾^۲.

به سوی نیکی‌ها بشتابید (در کارهای خیر از یکدیگر پیشی
بگیرید) هر کجا باشید خداوند شما را گرد می‌آورد که خداوند به
هر چیزی تواناست.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «این آیه در حق
یاران حضرت قائم است که تعدادشان سیصد و ده و اندی نفر است که
به خدا سوگند آنها را «امت معدوده»، که همچون قطعات ابر پاییزی در
یک زمان گرد می‌آیند.»^۳

آنگاه فرمودند: «منظور از «اینما تکنونوا...» اصحاب قائم علیه السلام هستند
که شبانه از رختخواب‌های خود برده می‌شوند و بامدادان در مکه گرد
می‌آیند. و برخی از آنها در وسط روز در میان ابرها برده می‌شوند و

۱. سوره لقمان، آیه ۲۰

۲. سوره بقره، آیه ۱۴۸

۳. روضه کافی، ص ۳۱۲؛ ینایع المودة، ص ۵۰۵

اسم و وصف و نسب آن‌ها شناخته شده است.^۱
 در حدیث دیگر می‌فرمایند: «چون فرمان ظهور صادر شود
 ۳۱۳ نفر یاران او چون ابر پاییزی گرد می‌آیند، که آن‌ها پرچمداران
 حضرت مهدی علیه السلام هستند. برخی از آن‌ها شبانه از رختخواب‌هایشان
 برده شده و بامدادان در مکه گرد می‌آیند برخی از آن‌ها در روز روشن
 سوار بر ابر حرکت می‌کنند. در پایان می‌فرمایند: آیه ﴿ اینما تکونوا... ﴾
 در حق آن‌ها نازل شده است.»^۲

۱۳ - ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ أَوْثَقْنَا الْأَرْضَ ﴾^۳

همه سپاس و ستایش از آن خداوندی است که وعده‌اش را در حق
 ما تحقق بخشید و زمین را به ارث ما درآورد.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام پرسید: از کجا و چگونه ظاهر
 می‌شود؟ حضرت فرمودند: ای مفضل! به تنهایی ظاهر می‌شود، به
 تنهایی وارد مسجد الحرام می‌شود، به تنهایی قدم در کعبه می‌گذارد،
 شب را به تنهایی سپری می‌کند. چون چشم‌ها به خواب رفت و تاریکی
 همه جا را فراگرفت، جبرئیل و میکائیل و فرشتگان در صف‌های
 فشرده به محضر آن حضرت می‌شتابند. جبرئیل عرضه می‌دارد: ای
 سرور من! فرمان تو مطاع است، آنچه امر بفرمایی انجام می‌پذیرد.
 آنگاه دست مبارک خود را به صورت خود می‌کشد و می‌گوید: «سپاس

۱. کمال‌الدین، ص ۶۷۲

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۶۸

۳. سوره زمر، آیه ۷۴

و ستایش از آن خداوندی است که وعده‌اش را تحقق بخشید و زمین را به ارث ما درآورد»^۱.

۱۴ - ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ
لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۲.

می‌خواهند نور خدا را با دهان‌های خود خاموش کنند، ولی خداوند نور خود را به اتمام می‌رساند، اگر چه کافران نخواهند.

در تفسیر علی بن ابراهیم می‌فرماید: این آیه در حق قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، که هنگامی که خارج شود، خداوند او را بر همه ادیان پیروز گرداند، تا جز خدا پرستیده نشود، و این است معنای گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «زمین را پُر از عدل و داد کند، آنچنان‌که از جور و ستم پُر شده است»^۳.

۱۵ - ﴿أَمْ مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ
يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^۴.

چه کسی مضطر را اجابت می‌کند هنگامی که او [خدا] را بخواند، و اندوه را از او برمی‌دارد و شما را خلفای روی زمین می‌گرداند.

امام صادق علیه السلام در شأن نزول آن می‌فرماید: «در حق قائم نازل شده است. به خدا سوگند، او مضطری است که هر وقت دو رکعت نماز

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷

۲. سوره صف، آیه ۸

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۵

۴. سوره نمل، آیه ۶۲

در مقام ابراهیم (در مسجد الحرام) بخواند، خداوند دعایش را مستجاب می‌فرماید و اندوهش را رفع می‌کند و او را در روی زمین جانشین قرار می‌دهد.^۱

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرمایند: «به خدا سوگند او مضطری است که خداوند در حق او می‌فرماید: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ ...﴾.^۲*

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸؛ المحجة البيضاء، ص ۱۶۵

۲. غیبت نعمانی، ص ۹۵

*. بخش آیات قرآنی برگرفته از کتاب ارزشمند «یاد مهدی علیه السلام» اثر نویسنده گرانقدر جناب آقای خادمی شیرازی است.

نمونه‌ای از اعجاز

مرحوم شیخ طوسی رحمته الله جریان مأموریت دستگیری امام زمان علیه السلام را از کسی به نام رشیق صاحب المادرای^۱ نقل می‌کند، که ظاهراً از افسران بلند پایه و عناصر شناخته شده نیروی انتظامی حکومت آل عباس در روزگار معتضد عباسی بوده است.

رشیق گوید:

ما سه نفر بودیم. معتضد به سراغمان فرستاد و گفت که هر کدام از ما اسبی سوار شویم و مرکبی دیگر را یدک آوریم، و هیچ کس همراه ما نباشد، و سبک بار - در حالی که جز یک روپوش بالای زین، چیزی بر مرکب نگذاشته باشیم - به سرعت حرکت کنیم و به سامرا برویم.^۲ در آن جا محله‌ای را برای ما توصیف کرد و خانه‌ای را خاطر نشان ساخت و گفت:

۱. ظاهراً درست مادرانی است و این رشیق مصاحب او بوده است.

۲. معتضد آخرین خلیفه‌ای بود که سامرا را ترک کرد و دیگر بار پایتخت را از آن جا به بغداد منتقل ساخت.

وقتی به آن جا رسیدید، بر درِ خانه خادمی سیاه می بینید؛ ولی با شدت و قهر وارد شوید و هر کس را دیدید، سر از پیکرش بردارید و برای من بیاورید.

به سامرا رفتیم و آنچه را گفته بود یافتیم. در مدخل و دهلیز آن خانه غلام سیاهی دیدیم که مشغول بافتن بند بود. از او جویای خانه و ساکنانش گشتیم و پرسیدیم: در خانه کیست؟ گفت: صاحبش، و به خدا قسم - او هیچ اعتنایی به ما نکرد و ما را به حساب نیاورد!

مأموریتمان را به نحو کامل انجام دادیم و تمامی خانه را جستجو کردیم. خانه‌ای خوب و آبرومند بود و در آن پرده‌ای آویخته بود که من برتر و بهتر از آن ندیده بودم؛ چنان که گویی هم‌اکنون آن را ساخته و پرداخته بودند. کسی هم در خانه نبود. پرده را بالا زدیم. اطاقی بس بزرگ مشاهده کردیم که در ظاهر مانند دریایی از آب دیده می‌شد. در آخر تالار، حصیری بر روی آب پهن بود و بر بالای حصیر، مردی که از همه مردم زیباتر می‌نمود به نماز ایستاده بود. هیچ توجهی به ما ننمود و به اسلحه‌ای که همراه داشتیم اعتنایی نکرد.

یکی از همراهان ما به نام احمد بن عبدالله قدم پیش نهاد که وارد شود و پیش رود. اما در آب فرورفت و به دست و پا زدن افتاد. دستش را گرفتم و نجاتش دادم در حالی که از حال رفته و بیهوش شده بود.

زمانی گذشت. همراه دیگر ما اقدام کرد و همانند احمد بن عبدالله وارد آب شد. او هم به همان وضع مبتلا شد! من

مبهوت ماندم. این آقا کیست و این جریان چیست؟!
به خداوندگار^۱ آن خانه گفتم: از خدا و از شما معذرت
می‌خواهم. به خدا سوگند، من بی‌خبر بودم و نمی‌دانستم کجا
می‌آیم. اینک توبه می‌کنم و به سوی حق برمی‌گردم؛ ولی آقای
خانه هیچ اعتنایی به من و گفتارم ننمود و از کاری که بدان
مشغول بود منصرف نگردید.

آن چه دیدیم ما را به هول و هراس واداشت. بازگشتیم.
از آن سو، معتضد در انتظار ما بود و به حاجبان^۲ و دربانان
سپرده بود تا هر زمان که ما برگشتیم - هر وقت از شب یا روز
بود - مانع ما نشوند و بگذارند نزد او برویم.

شب هنگام به بغداد رسیدیم و بر خلیفه وارد شدیم. او - که
منتظر بود سر بریده‌ای را نزدش ببریم - ما را از ما پرسید.
ما هم تفصیل واقعه را برای او بازگو کردیم و آن چه دیده بودیم
گفتیم. گفت: وای بر شما! آیا قبل از من هم کسی شما را دیده و
سخنی از شما شنیده است؟ گفتیم: نه. سپس قسم‌های سخت
و سوگندهای بسیار شدیدی یاد کرد و گفت: اگر کسی از این
داستان باخبر شود، من فرزند جدم نباشم اگر شما را گردن
نزنم و به زندگی تان خاتمه ندهم!

ما هم جرأت نقل این ماجرا را پیدا نکردیم تا معتضد از دنیا رفت.^۳

۱. صاحب

۲. پرده‌داران

۳. حدیث سرداب، ص ۴۴-۴۷ به نقل از غیبت شیخ طوسی، ص ۱۴۹

شیرینی کام جان
با سخنان گهربار جانان

چند سخن از حضرت صاحب الزمان علیه السلام

- إنا غير مُهمِلين لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ
الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ
ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر
نمی‌بریم که اگر جز این بود، گرفتاری‌ها به شما روی می‌آورد و
دشمنان، شما را درهم می‌شکستند.^۱
- وَ أَمَا وَجْهُ الْانْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأ الْانْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا
عَنِ الْبَصَارِ السَّحَابُ
نحوه بهره‌وری از من در هنگام غیبتم همچون برخورداری از
خورشید است آنگاه که ابرها آن را پوشانده باشند.^۲
- فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲

مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا

هر یک از شما باید به آنچه که او را به مقام محبت ما نزدیک می‌کند عمل نماید و از آنچه او را پست می‌گرداند و خوشایند ما نیست دوری نماید.^۱

● أَنْ الْحَقَّ مَعَنَا وَ فِينَا لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتَرٌ

به درستی که حق با ما و در دست ماست. جز ما هر که این ادعا را بر زبان آورد بسیار دروغگو و افترازننده است.

● ملعون است، ملعون است (از رحمت خدا به دور است)

کسی که نماز صبح خویش را آن قدر به تأخیر اندازد که دیگر ستاره‌ها در آسمان دیده نشوند...^۲

توضیح: با توجه به تأکید آقا امام عصر علیه السلام شایسته است شیعه منتظر و مُحِبِّ آن حضرت نماز صبح خویش را در تاریکی صبحگاهان به جای آورد، قبل از آن که نور وارد خانه شود... بلکه با توجه به تأکید امام عسکری علیه السلام پیش از نماز صبح برای انجام نافله شب برخیزد.^۳

□ ما را از شیعیان دور نگه نمی‌دارد مگر اعمال و رفتارهای بد آنان که به ما می‌رسد، و برای ما ناخوشایند و دور از انتظار است.^۴

۱. کلمة الامام المهدي، ص ۱۹۴ (نامه امام عصر علیه السلام به شیخ مفید)؛ احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵

۳. امام عسکری علیه السلام در توقیعی به پدر بزرگوار شیخ صدوق (علی بن حسین) سه بار فرمودند: آگاه باش هر کس که نماز شب را سبک بشمارد از ما و پیرو ما نباشد.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۷

- هر کس که ما از او بیزاری جوئیم، خداوند، فرشتگان، پیامبران و اولیایش نیز از او بیزاری می جویند.^۱
- دل‌های ما ظرف اراده و مشیت خداست، پس هرگاه او چیزی را اراده کند، ما نیز همان چیز را اراده می‌کنیم.^۲

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۵۱

برخی از حقوق
بی شمار قطب عالم امکان
حضرت صاحب الزمان علیه السلام بر ما

*** حق وجود**

یعنی خدا به برکت حضرت مهدی از نور ولایت آن بزرگوار فیض هستی را بر ما ارزانی داشته است.

*** حق حیات**

اگر لحظه‌ای حجت خدا نباشد زمین اهلش را فرو خواهد برد و از حیات و زندگی اثری نخواهد بود.

*** حق نعمت**

پروردگار مهربان الطاف و نعمت‌های خویش را به طفیل وجود حجت زمان علیه السلام شامل حال عموم می‌گرداند.

*** حق پدری**

یعنی ولی خدا در حقیقت پدر امت، بلکه مهربان‌تر و دلسوزتر از پدر است.

وظیفه فرزندان نسبت به پدر سلام و عرض ادب هر روزه، ادای

احترام، اطاعت صرف، کوچکی و برخورد خاضعانه، حفظ آبروی پدر در عمل و رفتار، برآوردن حاجات او بی آن که اظهار کند. و رفع همّ و غمّ از قلب عطوف و مقدس اوست.

*** حق دعا**

شیعه شیفته و محب آن حضرت می بایست دعا برای فرج آن حضرت و سلامتی آن بزرگوار را در رأس همه حوائج و خواسته های خویش قرار دهد.

*** حق راهبری**

پیرو آن وجود مقدس باید به پیروی از رهبری آن قدیس عظیم گردن نهد، و کردار و گفتارش نمودی از این تبعیت باشد.

*** حق اطاعت و پیروی**

شیعه ای که ادعای محبت امامش را دارد باید مطیع فرمان آن حضرت باشد.

برخی از وظایف
ایتام آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نسبت به
پدر مهربان و دور از دیار خویش

۱- دعا بر فرج و ظهور آن بزرگوار^۱

مسلمان مخلص و شیعه شیفته در هنگام استغاثه به پروردگار - خصوصاً آنگاه که در مظان استجابت دعا قرار می‌گیرد - حوائج شرعیّه پدر را (که در رأس آنها ظهور موفورالسرور آن باهرالنور است) سر لوحه همه خواسته‌های خویش قرار می‌دهد؛ و می‌داند که اگر با اخلاص نوکری کند و وظیفه فرزندیش را به جای آورد آن پدر کریم و عطوف نسبت به مشکلات فرزندش بی تفاوت نخواهد بود و او را مورد عنایت قرار خواهد داد. توجه به این نکته نیز اهمیت دارد که بدانیم دعا بر تعجیل فرج توفیق ربانی و مدد الهی می‌خواهد و هر کسی چنین توفیقی نخواهد یافت.

حضرت امام عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمودند:

سوگند به خدا که فرزندم دارای غیبتی خواهد بود که هیچ کس در آن

دوران از هلاکت و نابودی، رهایی نمی یابد، مگر کسی که خداوند، او را بر اعتقاد به امامت وی استوار ساخته و بر دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت توفیقش بخشد.

۲ - زنده نمودن نام و یاد آن امام همام

یکی از شیوه‌های تحقق این امر نامگذاری فرزندانمان و تشویق دیگران به نامگذاری فرزندانمان به اسامی و القاب آن وجود مقدس و القاب و اسامی مادر بزرگوار ایشان است. با انتخاب نام‌هایی چون: حامد، امیرحامد، حجت، امیرحجت، مهدی، محمد مهدی، امیرمهدی، امین مهدی، صادق مهدی، عبدالمهدی، صالح مهدی، محمدصالح، امیر صالح، عبدالصالح؛ و همچنین نرجس، (نرگس)، ریحانه، سوسن، ملیکا (ملیکه)، سبیکه.

برخی از عشاق امام عصر علیه السلام بدان امید که فرزندان توفیق یاری آن حضرت را بیابد نام زیبای «مهدی یار» را برای پسران خویش برمی‌گزینند.

۳ - تصدق برای سلامتی آن دُرّ ثمین و وجود نازنین

اعطای صدقه روزانه و ماهیانه به نیت سلامتی آن قدیس عظیم و آن امام کریم، موجب حفظ آن حضرت و اهل بیت ایشان از بلاها و آفات خواهد بود.

۴ - انجام اعمال مستحبی به نیابت آن بزرگوار

این کار نه تنها از ثواب عمل نمی‌کاهد بلکه پاداش آن را چندین

برابر نموده موجب خشنودی امام عصر علیه السلام و ایجاد رابطه معنوی با آن حضرت می‌گردد.

۵ - تزکیه و تقوی و خودسازی

از آن جا که ضرورت دارد هر کس که منتظر ظهور مصلح است خودش نیز صالح باشد، مسلمانی که داعیهٔ محبت ایشان را دارد می‌باید در جهت تزکیه نفس و تخلق به اخلاق اسلامی بکوشد و بیش از دیگران خود را به انجام واجبات و ترک محرمات و انجام مستحبات - که موجب قرب به مقام مقدس آن حضرت است - بکوشد.

۶ - آمادگی و تجهیز

منتظر راستین باید که از هر گونه سستی و تنبلی بپرهیزد و همواره برای ظهور منجی آماده باشد چرا که واقعهٔ ظهور بدون اعلام، و یکباره خواهد بود.

۷ - افزونی معرفت و محبت

راهیابی به آستان ملکوتی آن عزیز دو شرط اساسی دارد: یکی معرفت و دیگری محبت. یک منتظر باید در جهت کسب معارف دینی و حقایق مربوط به آن ذات پاک تلاش نماید، و به افزونی عشق به ساحت مقدسش در دل خود و فرزندان خود و دیگران همت کند.

۸ - پرهیز از اذیت و آزار

حضرت صادق علیه السلام فرموده‌اند: «چرا شما پیامبر را ناخرسند و اندوهناک می‌سازید؟!» (اذیت نموده و آزرده می‌سازید) مردی عرضه داشت: چگونه ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را می‌آزاریم و ناراحت می‌نماییم؟ امام علیه السلام فرمودند: «آیا نمی‌دانید که کارهای شما بر آن حضرت عرضه می‌شود و آنگاه که در پرونده اعمالتان، گناه و نافرمانی خدا را مشاهده کند، افسرده و آزرده خاطر می‌گردد. پس مراقب باشید به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدی روا ندارید و او را ناراحت نسازید بلکه [با اعمال شایسته و رفتار نیک خود] ایشان را خرسند و شادمان نمایید.»

ابوبصیر گوید: از حضرت صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: ﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^۱ توضیح خواستم و پرسیدم: مؤمنانی که در این گفتار آسمانی، مانند خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ناظر اعمال مردمند چه کسانی هستند؟ امام علیه السلام فرمودند: «مَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ إِلَّا صَاحِبُكَ؟»^۲ «چه فردی ممکن است باشد، غیر از صاحب شما؟»

یعنی امام و صاحب امر شما، همان مؤمنی است که در وحی الهی نظاره گر کارهایتان معرفی شده است.

نتیجه آن‌که امروز تمام اندیشه و کردار ما، زیر چشم صاحب و مولایمان حضرت مهدی علیه السلام است؛ زشتی‌هایمان او را آزرده خاطر

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۵

۲. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۴۶

می‌سازد و ناخرسندی او را سبب می‌شود، و نتیجه عدم رضایت او ناخشنودی پروردگار می‌باشد؛ و نیکی‌هایمان نیز وی را مسرور و مشعوف می‌گرداند. بدیهی است مسرت او رضایت حضرت حق خواهد بود و لطف ربوبی و پاداش الهی را به ارمغان می‌آورد.^۱

۹ - توسل مدام به ذیل عنایت آن مهربان

دل‌باخته حضرت ولی عصر علیه السلام و شیفته آن حضرت، از یاد او و جستجوی وجود شریفش غفلت نمی‌ورزد.

چگونه ممکن است کسی شیفته و شیدای او باشد و او فراموشش کند؟ حاشا و کلاً.

آیا می‌شود دل‌باخته جان سوخته‌ای پیوسته به یاد او باشد، به حضرتش درود و سلام فرستد، از چشمان سرشک حسرت و اندوه بیارد، در هجرانش بسوزد، برای ظهورش دعا کند، ولی آن حضرت او را از یاد ببرند و به فریادهای مشتاقانه‌اش پاسخی نگویند؟! هرگز چنین نخواهد بود.

چرا که او چشمه لطف و احسان، منبع جود و بزرگواری و باب رحمت و اسعه الهی است.

پس باید که با دعای عهد هر صبحگاه با آن وجود شریف تجدید عهد نمود، و با زیارت آل یاسین با آن عزیز نجوا کرد. و در هر آدینه‌ای

۱. برگرفته از کتاب «امام زمان علیه السلام بهار دل‌ها»

اشک فراق به دامن انتظار ریخته، ندبه و ناله کرد و کام جان را با ذکر نامش شیرین نمود. و به عزت، سربلندی و بالندگی رسید. چرا که تنها او عزیزکننده دوستان و خوارکننده دشمنان است.

اینک به ذکر چند وظیفه بدون توضیح اکتفا می‌نماییم:

- ۱۰ - نشر فضایل و مناقب آن عزیز و اجداد گرامی ایشان که سبب نزدیکی به مقام محبت و ولایت ایشان و دودمان پاکشان می‌باشد.
- ۱۱ - اندوه قلبی از غیبت و دعا برای ظهور و انتظار فرج
- ۱۲ - اظهار و ابراز علاقه و راز و نیاز با ایشان
- ۱۳ - خواندن ادعیه مخصوص آن حضرت در مناسبت‌های مختلف همچون، روزهای جمعه، و شب‌های قدر
- ۱۴ - حضور در اماکن و مجالس مورد نظر آن حضرت، و حاضر نشدن در مجالسی که مرضی خاطر آن حضرت نیست
- ۱۵ - مقدم داشتن حوائج آن بزرگوار بر خواسته‌های خود
- ۱۶ - ذکر مناقب و فضایل آن عزیز
- ۱۷ - سرودن و خواندن شعر در مدح ایشان
- ۱۸ - گریستن و گریاندن بر فراق آن حضرت
- ۱۹ - زیارت مشاهد مشرفه به نیابت از ایشان
- ۲۰ - قرائت قرآن، حج رفتن و حج فرستادن به نیابت از ایشان^۱

۱. برگرفته از کتاب «تکالیف الانام فی غیبة الامام علیه السلام» اثر مرحوم دبیرالدین میرزا علی اکبر صدرالاسلام همدانی؛ و کتاب «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» اثر عالم فقیه سید محمدتقی موسوی اصفهانی.

باریافتگان

در ایام غیبت کبری باب ملاقات و مشاهده طرفینی مثل آنچه در دوران غیبت صغری میان امام عصر علیه السلام و نواب خاص اتفاق می افتاد، حتی با قول و قرار قبلی نیز مسدود گردید، اما در عین حال عنایت پنهان و آشکار امام عصر علیه السلام بر بسیاری از شیعیان و دل سوختگان ادامه یافت. از جمله باریافتگان و سعادت‌مندان اینانند:

- مرحوم مقدس اردبیلی
- مرحوم شیخ مفید
- مرحوم شیخ مرتضی انصاری
- مرحوم شیخ حر عاملی
- مرحوم میرزا مهدی اصفهانی
- اسماعیل بن حسن هرقلی
- حسن بن مصلح جمکرانی (بنیانگذار مسجد جمکران)
- مرحوم سید احمد موسوی رشتی
- محمد بن عیسی بحرینی

- مرحوم سید بحر العلوم نجفی
- ابوراجح حمامی حلّی
- علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی
- مرحوم شهید ثانی
- مرحوم علامه حلّی

توسل به ذیل عنایت مولا

ادعیه و زیاراتی که می‌تواند وسیلهٔ توسّل و تقرّب شیعیان به وجود مقدس صاحب‌الزمان علیه‌السلام باشد فراوان است. لکن به جهت اختصار و راهنمایی شیفتگان به چند دعا و زیارت از کتاب پراج مفتح الجنان اشاره می‌نماییم:

* دعای فرج (اَللّٰهُمَّ كُنْ لِيْوَلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ ...)

مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته‌الله در اعمال شب بیست و سوم ماه رمضان از محمد بن عیسی نقل نموده است که در شب بیست و سوم از ماه رمضان این دعا را در حال سجود و قیام و قعود و در هر حالتی که هستی در تمام ماه و هر زمان که ممکن شود بخوان.

خواندن این دعا در شب‌های قدر مخصوصاً در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان زیاد توصیه شده است.

* دعای فرج (اِلٰهِيْ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ ...)

* زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام

* زیارت امام زمان علیه‌السلام در روز جمعه (اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ

فِيْ اَرْضِهِ ...)

* دعای عهد (اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ ...)

که در مفاتیح الجنان پس از دعای ندبه است. در مقدمه دعای عهد آمده است که امام صادق علیه السلام فرموده اند: هر کس ۴۰ صباح (صبح) پس از نماز صبح این دعا را بخواند از یاوران قائم علیهم السلام ما باشد، و... و حق تعالی به هر کلمه هزار گناه از او محو فرموده و هزار حسنه کرامت فرماید.

* دعای ندبه (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ...)

که صبح جمعه در فراق آن عزیز دیار غربت خوانده می شود.
* زیارت آل یس (سَلَامٌ عَلٰی آلِ یس ...). او آخر مفاتیح الجنان و

اواسط زیارات حضرت صاحب الامر علیه السلام

مقصود از آل یاسین ائمه معصومین علیهم السلام هستند.

* صلوات مرحوم ضراب اصفهانی

که قرائت آن در عصر جمعه توصیه شده است.

* زیارت ناحیه

که از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام شرف صدور یافته است.

التجا

رحیما! از تو می خواهیم که در تمام مراحل زندگی حتی در واپسین لحظات آن، همواره زبانمان را به نام مقدسش مترنم داری، و در حالی روحمان را در قبضه خویش درآوری که قلبمان مالا مال عشق او باشد و ولایت او و تبار پاکش کارسازمان باشد.

الها! وصی بر حق پیامبرت علی مرتضی علیه السلام فرموده است: هر کس

هر چه را دوست بدارد همواره نام آن را بر زبان دارد^۱، هم‌اینک:
تو می‌دانی و آگاهی که عمری است نام مقدسش را بر زبان دارم و
حسرت یک نگاهش را در دل.

اکنون، بدان امید این سطور را نگاشتم که آرزوی دیدار و عنایتش را
به گور نبرم گر چه روسیاهی و عصیانم این امر را بعید می‌نماید، اما از
آن جا که تو در قرآن عظیمت نومیدی از رحمتت را نهی فرموده‌ای و به
کافران مختص نموده‌ای و مولایم را کریمی از اولاد کرام قرار داده‌ای و
او کرامتش را و امدار توست، به احسان تو و عنایت او امیدوارم.

پروردگارا! تو می‌دانی که ما به مهدی علیه السلام دل بسته‌ایم، در حالی که
اعمال ما، شیوه و رفتار ما، نشست و برخاست ما، زندگی ما مهدی
پسند نیست. اما همچنان که پدر مظلومش امام عسکری علیه السلام فرمود
دل‌های ما همچون پرندگان سرگردانی است که روزها بر هر بر و بامی
می‌نشینند ولی شامگاهان رو به آشیانه دارند، غافلانه به این و آن متمایل
می‌شوند، اما سرانجام رو به کوی دوست دارند و عنایتش را می‌طلبند.
اما با این حال عنایت مدام آن عزیز را در همه شئون زندگی احساس می‌کنیم.
این نیز بر ما روشن است که این جاذبه از سوی آن یار با کرامت
غریب دور از دیار است ورنه:

ما کجا و عنایت بی حصر یار کجا؟!

ما کجا و آرزوی دیدار کجا؟!

۱. من احب شیئا لهج بذكره (غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ح ۷۸۵۱)

ما کجا و مرحمت یار کجا؟!

ما کجا و ریش رحمت بی انتها کجا؟!

ما کجا و لحظه لحظه عنایت او؟!

ما کجا و به هر دیار در پی نشان او؟!

ما کجا و به دل، یاد او؟!

ما کجا و به لب، ذکر نام او؟!

به هر حال نیست جای شگفتی که او

عزیز است و ما ذلیل،

غنی است و ما فقیر،

او سراسر همه احسان است، و ما همه، نیاز.

﴿ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعٍ مُرْجَاةٍ
فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴾ ۱

معرفی چند کتاب سودمند درباره امام زمان علیه السلام

- در محضر دوست (سید مهدی رجائی)
- امام زمان علیه السلام و سید بن طاووس (سید جعفر رفیعی)
- نام محبوب (سید حسین حسینی)
- برستیغ آرمانها (علامه سید محسن امین)
- یاد مهدی (عج) (محمد خادمی شیرازی)
- آفتاب در نگاه خورشید (دکتر مرتضی طاهری)
- نوید امن و امان (آیت الله لطف الله صافی)
- انتظار عامل مقاومت و حرکت (آیت الله لطف الله صافی)
- دادگستر جهان (ابراهیم امینی)
- انتظار بذر انقلاب (دکتر حسین تاجری)
- قیام مهدی (دکتر علی قائمی)
- مهربان تر از یوسف (دکتر نادر فضلی)
- راهی به سوی نور (علی رضا نعمتی)
- مهدی تجسم امید و نجات (عزیز الله حیدری)

- جهانگشای عادل (جمال الدین دین پرور)
- قیام و انقلاب مهدی (عج) (استاد شهید مطهری)
- منتقم حقیقی (حسین عمادزاده اصفهانی)
- او خواهد آمد (علی اکبر مهدی پور)
- رهایی بخش (مسعود شریعت پناهی)
- کمال هستی در عصر ظهور (م-ب علم الهدی)
- آن روز دیدنی (جواد محدثی)

راهی به سوی قرب

گزیده‌ای از اعمال ماه شعبان و شب و روز نیمه آن^۱

وجه تسمیه ماه شعبان

مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله صاحب مفاتیح الجنان درباره نامگذاری ماه شعبان از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرموده‌اند: به جهت پراکنده شدن خیرات در این ماه، پروردگار آن را شعبان نامیده است. در این ماه درهای خیرات و حسنات باز شده و خداوند قصرها و خیرات را به قیمت ارزانی به شما عرضه نموده است...^۲

اعمال سه روز اول ماه شعبان

مرحوم سید بن طاووس رحمته الله از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است که

۱. به هر میزان و به هر مقدار که توانای انجام این مستحبات باشد و توفیق دست دهد باید غنیمت دانست. تفصیل و طولانی بودن یک عمل مستحبی نباید انسان را از اصل یا اجزایی از آن باز دارد.

۲. نقل به معنی (با اندک تلخیص)

هر کس سه روز اول ماه شعبان را روزه بگیرد و در شب‌های آن دو رکعت نماز به جای آورد (در هر رکعت یک حمد و یازده قل هو الله...) ثواب بسیاری را نصیب خود خواهد کرد.

حضرت صادق علیه السلام نیز پاداش روزه روز اول ماه شعبان را بهشت دانسته‌اند.^۱

برخی از اعمال شب نیمه شعبان

شب بسیار مبارکی است. از امام صادق علیه السلام روایت شده که از حضرت باقر علیه السلام در مورد فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد؛ فرمودند: این شب پس از لیلۃ القدر برترین شب‌هاست.^۲

در این شب پروردگار فضلش را به بندگان خویش عطا می‌فرماید و به گزمش بندگانش را می‌آمزد، پس در تقرب جستن به او کوشش کنید. آری این شب شبی است که خداوند به ذات مقدس خود قسم یاد فرموده که سائلی را از درگاه خویش دست خالی برنگرداند.

به این اعمال نیز سفارش و تأکید شده است

۱- غسل (که باعث تخفیف گناهان می‌گردد)

۱. عبارت نقل به معنی شده با اندک تلخیص. اصل عبارتی که صاحب مفاتیح الجنان نقل نموده این است که امام هشتم علیه السلام فرموده‌اند: هر کس روز اول شعبان را روزه بدارد بهشت بر او واجب شود.

۲. بدین جهت شب زنده‌داری و بیدار ماندن شب نیمه شعبان را (به هر مقداری که مقدور باشد) باید غنیمت دانست.

۲- إحياء و شب‌زنده‌داری و مشغول شدن به دعا، نماز و استغفار.^۱
۳- زیارت حضرت امام حسین علیه السلام (که از برترین اعمال این شب است)^۲ بدین گونه:

هر کجا هست زیر آسمان قرار گیرد، به جانب راست و چپ نظر کند، آنگاه سر به جانب آسمان نموده و امام حسین علیه السلام را با این جمله زیارت نماید:
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

۴- به جای آوردن دو رکعت نماز مستحبی پس از نماز عشا به ترتیب زیر:

رکعت اول:

حمد و سوره جحد: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَ لَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ * وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ﴾

رکعت دوم:

حمد و سوره توحید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...﴾ و پس از فراغت از نماز، تسیحات حضرت زهرا علیها السلام (۳۴ الله اکبر، ۳۳ الحمد لله، ۳۳ سبحان الله) و پس از آن دعایی است^۳ که بهتر است آن را بخواند.

۱. امام سجاد علیه السلام فرمودند: هر کس این شب را احیا داشته باشد دلش نمی‌میرد در روزی که دل‌ها بمیرد.
۲. موجب آمرزش گناهان است و موجب مصافحه روح ۱۲۴ هزار پیامبر با او خواهد بود. و امید است که ثواب حج و عمره برای او نوشته شود. ان شاء الله
۳. دعائی است حدود یک صفحه در مفاتیح الجنان قسمت اعمال شب نیمه شعبان.

۵- چهار رکعت نماز مستحبی (دو نماز دو رکعتی) در هر رکعت یک حمد و ۱۰۰ مرتبه «قل هو الله»، و پس از فراغت از هر رکعت این دعا را بخواند:^۱

اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ مِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ
إِسْمِي وَ لَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تَجْهَدْ بِلَانِي وَ لَا تُشِمِّتْ بِي أَعْدَائِي ،
أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ
مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ أَنْتَ كَمَا أَتَيْتَ عَلَي نَفْسِكَ
وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ .

۶- این دعا نیز زیاد سفارش شده است:

اللَّهُمَّ كُنْ لِي وَلِيًّا الْحَسَنَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي
هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ ذَلِيلًا وَ
عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا .

روز نيمه شعبان

در این روز بر دعا برای تعجيل فرج آقا امام عصر عليه السلام و ذکر صلوات
تأکید شده است.^۲



۱. این نماز و دعا از امام پنجم و ششم روایت گردیده و بر آن تأکید شده، انجام آن حدود ۳۰ دقیقه طول می‌کشد.

۲. اعمال و دستورات این بخش، در مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله نقل گردیده است.

کتابنامه

- ۱- آشنایی با حضرت مهدی علیه السلام: به اهتمام سید عباس حق دوست، گلستان کوثر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- ۲- الاحتجاج علی اهل اللجاج: طبرسی احمد بن علی، مصحح: ابراهیم بهادری، اسوه، چاپ اول، تهران ۱۴۱۶ ق.
- ۳- اثبات الهداه: حر عاملی محمد حسن، مترجم محمد نصراللهی، احمد جنتی، مصحح: هاشم رسولی، المطبعه العلمیه، چاپ اول، قم ۱۳۷۸ - ۱۳۸۰ ق.
- ۴- اعلام الوری: طبرسی فضل بن حسن، ترجمه عزیز الله عطاردی، کتابفروسی اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰ ق.
- ۵- اصول کافی: کلینی محمد بن یعقوب، مترجم صادق حسن زاده، نشر صلوات چاپ اول، قم، ۱۳۸۳.
- ۶- الزام الناصب: یزدی حائری بن زین العابدین، مصحح: علی عاشور، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
- ۷- امام زمان بهار دلها: حجازی سید جمال الدین، نشر مولود کعبه، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵ ش.

۸- الانوار البهیه: قمی عباس، مترجم محمدمهدی اشتهااردی، ناصر، چاپ اول، قم، ۱۳۷۲ ش.

۹- بحار الانوار: مجلسی محمّد باقر بن محمّد تقی، مترجم موسی خسروی، دارالکتب اسلامیة، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۴ - ۱۳۶۰.

۱۰- البرهان فی تفسیر القرآن: بحرانی، هاشم بن سلیمان، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۹ ق.

۱۱- تفسیر عیاشی: عیاشی محمّد بن مسعود، مؤسسه البعثه قسم الدراسات الاسلامیه، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸ ش ۱۴۲۰ ق.

۱۲- تفسیر قمی (تفسیر کنز دقائق و بحر الغرائب: قمی مشهدی محمّد بن محمّد رضا، محقق حسین درگاهی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹ ش.

۱۳- تکالیف الانام فی غیبه الامام (پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی): صدر الاسلام همدانی علی اکبر، نشر بدر، چاپ اول، تهران ۱۳۶۱ ش.

۱۴- حدیث سرداب: بحرینی سید مجتبی، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۱۵- حدیث غیبت و سفارت: بحرینی سید مجتبی، ویراستار: محمّد کاظم مددی، منیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲ ش.

۱۶- راه روشن ترجمه کتاب المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء: فیض کاشانی محمّد بن شاه مرتضی، مترجم، محمّد صادق عارف، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول، مشهد ۱۳۷۲ ش.

۱۷- الروضه من الکافی: کلینی محمّد بن یعقوب، مصحح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، تهران ۱۳۷۷ ق.

- ۱۸- زندگی امام حسن عسکری علیه السلام : عقیقی بخشایشی عبدالرحیم، انتشارات نسل جوان، چاپ اول، قم، ۱۳۵۶ ش.
- ۱۹- عقد الدرر فی ادخال السرور علی بنت سید البشر : صواف یاسین بن احمد، گردآورنده محمود غریض بحرانی، الهدی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۰- غرر الحکم ودرر الکلم : امری، عبدالواحد بن محمد، مترجم محمدعلی انصاری، مصحح: مهدی انصاری، نشر امام عصر علیه السلام، چاپ اول، قم، ۱۳۸۱ ش.
- ۲۱- غیبت : طوسی، محمد بن حسن، ترجمه محمد رازی، مصحح: محمد باقر بهبودی، کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۰ ق.
- ۲۲- غیبت نعمانی : ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، مترجم محمدجواد غفاری، کتابخانه صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- ۲۳- کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر : خراز قمی علی بن محمد، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
- ۲۴- کلمه الامام المهدی : شیرازی حسن، مترجم سید حسن افتخارزاده، محمصص : حسن تاجری، نشر آفاق، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۵- کمال الدین وتمام النعمه : ابن بابویه محمد بن علی، مترجم محمدباقر کمره‌ای، کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶ ق.
- ۲۶- مجمع البیان فی تفسیر القرآن : طبرسی فضل بن حسن، مترجم علی کرمی، انتشارات فراهانی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۷- المحجه فی ما نزل فی القائم الحججه (سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن) : بحرانی، هاشم بن سلیمان، مترجم مهدی حائری قزوینی، نشر آفاق، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۸- مصباح الکفعمی : تقی الدین محمد صالح العاملی الکفعمی، النعمان، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

- ۲۹- مفاتیح الجنان: قمی عباس، مترجم مهدی الهی قمشه‌ای، مصحح: حسن تفکری، نشر آینه دانش، صلاهی فرزندگان، نشاط، چاپ اول، قم، ۱۳۸۵.
- ۳۰- مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام: اصفهانی محمد تقی، مترجم مهدی حائری قزوینی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲.
- ۳۱- مهدی موعود ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار: مجلسی محمدباقر بن محمد تقی، مترجم حسن بن محمد ولی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹ ش.
- ۳۲- نور الثقلین: جویزی عبدالعلی بن جمعه، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، المطبعه العلمیه، چاپ اول، قم، ۱۳۸۳ ق.
- ۳۳- نور الابصار: اصفهانی محمد تقی، مؤسسه خیریه علمی و دینی مهدیه اشکذر یزد، چاپ اول، یزد، ۱۳۶۱ ش.
- ۳۴- یاد مهدی: خادمی شیرازی محمد، مؤسسه نشر و تبلیغ، چاپ اول، تهران.
- ۳۵- ینابیع الموده لذوی القربی: قندوزی سلیمان بن ابراهیم، مصحح علی بن جمال اشرف، دار الاسوه، چاپ اول، تهران ۱۴۱۶ ق.
- ۳۶- یوم الخلاص: سلیمان کامل، مترجم علی اکبر مهدی پور، آفاق، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۸ ق.